

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره ی شانزدهم/مهر ماه ۱۳۹۱/شماره ی پی در پی ۱۲۶/۴۸ صفحه/۴۵۰ ریال

ماه نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

www.roshdmag.ir ISSN:1606-9102



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

در این شماره می خوانید:

- فلسفه برای کودکان
- فرصتی برای اندیشیدن
- پژوهش در چهار سطح

به همراه:

- دوره ی آموزش ضمن خدمت اختلالات یادگیری
 - هدیه ی مجله رشد آموزش ابتدایی
- (یک کتاب در یک مجله)
و تجربه های سبز ۳۰ آموزگار از سراسر کشور

با آغاز مهرماه سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، برای نخستین بار مسابقه «تلنگری برای تفکر» را در مجله مطرح کردیم. در سه سال گذشته، اجرای این مسابقه با استقبال خوب خوانندگان رشد ابتدایی روبه‌رو بوده است. پرسش‌های این مسابقه از محتوای پرونده‌ی اصلی هر شماره (تجربه‌های سبز، صفحات ۱۷ تا ۳۲) طرح می‌شوند. برای شرکت در این مسابقه، کافی است پاسخ تفصیلی خود به پرسش یا پرسش‌های هر مسابقه را جداگانه به نشانی پستی مجله ارسال کنید. اسامی برگزیدگان سال تحصیلی گذشته (۹۱-۱۳۹۰) در صفحه‌ی ۵ درج شده است و اما پرسش مسابقه‌ی شماره‌ی ۱:

● این درس پژوهی نیست؟ (صفحه‌ی ۳۰): ما نیز همراه شما گزارش خانم رضایی بروجنی را خواندیم. همان‌طور که از تیز این مطلب هم متوجه شدید این کاری که انجام شد، درس پژوهی نبود. انشاءالله در شماره‌ی ۳ اطلاعات مبسوطی از درس پژوهی را خواهیم دید. نوشته‌ی این خانم معلم قصه‌ای پرغصه و تأسف آور بود. تأسف از این که کودکان معصوم، سرشار از سرشتی پاک و وجودی مملو از استعدادها، خدادادی، یک سال از بهترین دوران یادگیری و زندگی خود را در این کلاس، صرف کسب تجربه‌ی حقارت، درماندگی و شکست کرده‌اند.

حال فرض کنید که شما یکی از دانش‌آموزان دپروز همان معلم هستید که وی هرگز توانمندی‌هایش را باور نکرد ولی بعد از گذشت سال‌ها، پیشرفت و موفقیت شما در کسوت معلمی متجلی شده است.

پرسش: اگر امروز با همان معلم دپروز خود روبه‌رو شوید و بخواهید در قالب یک گفت‌وگوی صمیمانه با این به صحبت بنشینید، چه نکات تعلیم و تربیتی را به وی متذکر خواهید شد؟

تلنگری برای تفکر

مسابقه‌ی شماره‌ی ۱

مهلت ارسال پاسخ‌ها: ۲۰ آبان ۱۳۹۱

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره‌ی شانزدهم / مهر ماه ۱۳۹۱ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۲۶

ماه‌نامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: مرتضی مجدفر
شورای برنامه ریزی:
شکوه تقدیسیان
فاطمه رضانی
لیلا سلیقه‌دار
یدالله رهبری نژاد
ابراهیم اصلانی
مدیر داخلی: اصغر ندیری
طراح گرافیک: فریبا بندی
نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۸۸۸۳۱۱۶۱ - (داخلی ۳۷۵)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه:

www.roshdmag.ir

پیام‌نگار:
ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲

● کد مدیر مسئول: ۱۰۲
● کد دفتر مجله: ۱۰۹
● کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۶۷۵۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

یادداشت سردبیر ۲: سال ۱۶، شماره‌ی ۱۲۶ / مرتضی مجدفر

مسابقه ۵: برگزیدگان تلنگری برای تفکر (سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰) / شورای برنامه ریزی مجله

گفت‌وگو ۶: معلم چند پایه، باید هنرمند و همه‌فن حریف باشد / گفت‌وگو با فضل‌الله عبدی

مبانی پژوهش دانش آموزی ۸: پژوهش در چهار سطح / ابراهیم اصلانی

خاطره‌های خواندنی ۱۱: چکمه‌های گلی / تارا رسولی

فلسفه برای کودکان ۱۲: فرصتی برای اندیشیدن / زری آقاجانی

بازتاب ۱۲: پیرها، جوان می‌شوند؟! / مرتضی طاهری

یک کتاب در یک مجله ۱۴: ۱۰۱ روش برای منحصر به فرد ساختن کلاس‌های درس / مترجم: نگار مجدفر

آموزش ابتدایی

رشد

دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۱

مهر ۹۱

پرونده
تجربیان
۳۲ تا ۱۷

طنز ۳۳: پاسخ‌های جالب به پرسش‌های امتحانی / سجاد سرزعی

آموزش ۳۴: علائم سجاوندی به زبان ساده / دکتر سیدبهنام علوی مقدم

میراث ما ۳۶: همه‌ی تاریخ هنر زیر یک سقف! / حمید دهقان

تعلیم و تربیت ۳۸: نقش دو معلم در یک مدرسه / دکتر علی رئوف

کتاب آموزگار ۳۹: تربیت دل‌پذیر، دل‌تربیت‌پذیر / اصغر ندیری

آموزش ضمن خدمت ۴۰: دو دهه اختلالات یادگیری در ایران / ابراهیم اصلانی

۴۲: به هوش ربطی ندارد (۱۲ دانستی ضروری درباره‌ی اختلالات یادگیری)

با همراهان ۴۶: پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی مجله

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

♦ مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ♦ مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ♦ مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ♦ نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ♦ محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ♦ مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. ♦ کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ♦ مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ♦ معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ♦ مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب مقاله‌های رسیده مختار است. ♦ نوشته‌های دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ♦ آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

سال ۱۶ شماره کی ۱۲۶



مرتضی مجدفر

آشنایی با برنامه‌ها، تأکیدها و محورهای کاری
رشد آموزش ابتدایی در سال تحصیلی جدید

از آن‌ها صرفاً در صفحه‌ی «با هم‌راهان» خداحافظی می‌کنیم و بقیه نیز پس از گذر از مراحل گوناگون دآوری و سپس ویرایش و آماده‌سازی به صفحات مجله راه پیدا می‌کند. در هر صورت، درست است که ما تقدم کاری‌مان را به آثار خوانندگان اختصاص می‌دهیم ولی مطالب ارسالی باید با هدف‌ها و برنامه‌های مجله هم‌خوانی داشته باشند. از این گذشته، درباره‌ی برخی از مطالب نمی‌توانیم منتظر خوانندگان باقی بمانیم و مجبوریم براساس برنامه‌ها و هدف‌های مجله، به برخی از استادان، صاحب‌نظران و نویسندگان آموزشی «سفارش تدوین مطلب» بدهیم و

ابتدایی با انتشار ۱۳۶ مطلب از همکاران فرهنگی، رتبه‌ی نخست انتشار آثار مخاطبان را از لحاظ کمی در میان تمامی مجلات رشد به‌دست آورد. بر این اساس، در دوره‌ی شانزدهم نیز اولویت ما انتشار آثار همکاران فرهنگی خواهد بود و درصدد خواهیم بود از بین مطالب ارسالی خوانندگان مناسب‌ترین، تأثیرگذارترین، کاربردی‌ترین و در عین حال کوتاه‌ترین نوشته‌ها را گزینش و پس از تأیید داوران و شورای برنامه‌ریزی مجله، منتشر کنیم. پس در نظر داشته باشید که هر مطلب ارسالی، به مرحله‌ی انتشار نمی‌رسد و تعداد مطالب زیادی آن‌چنان بالاست که با بسیاری

با آغاز سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، شانزدهمین سال انتشار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با شماره‌ی ۱۲۶ رقم می‌خورد و یک برگ دیگر به سال‌های خدمت‌گزاری صاحب این رقم به معلمان دوره‌ی ابتدایی کشور افزوده می‌شود. بسیار مسرورم که از مهرماه ۱۳۸۴، من و همکارانم بی‌وقفه در خدمت آموزگاران بوده‌ایم و لطف الهی یارمان بود، تا بتوانیم مجله را به تریبون همکاران دوره‌ی ابتدایی از اقصا نقاط کشور تبدیل کنیم. در همین آغاز راه و در ابتدای دوره‌ی شانزدهم، لازم است به خوانندگان مجله اطلاع دهیم در سال تحصیلی گذشته، مجله‌ی رشد آموزش

این‌ها مطالبی است که چارچوب اصلی مجله را تشکیل می‌دهد.

ما برنامه داریم

همه‌ی مجلات رشد دارای برنامه‌ی سالانه‌اند. برنامه‌ی سالانه‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی برای دوره‌ی شانزدهم در اسفندماه ۹۰ به تصویب شورای طرح و برنامه‌ی مجلات رشد رسیده است و ما براساس این برنامه، هشت شماره‌ی دوره‌ی شانزدهم خود را تولید می‌کنیم.

برنامه‌ی مجله در دوره‌ی جدید، براساس جلسات شورای برنامه‌ریزی مجله در تاریخ‌های هفدهم و بیست و پنجم بهمن ماه ۹۰، دریافت بازخوردهای گوناگون از مخاطبان پر تعداد مجله، مطالعه‌ی گزارش‌های پژوهشی مرکز مطالعات راهبردی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، دست‌بندی نظریات ابراز شده در جلسات نقد و بررسی مجله، گفت‌وگو با مسئولان دفتر آموزش دبستانی معاونت آموزش ابتدایی و گروه هماهنگی ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دریافت نظر مسئولان ارشد وزارت‌خانه، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی تدوین شده است. به علاوه، در این برنامه، خواسته‌های عمومی جامعه‌ی آموزگاران مدنظر قرار گرفته است.

برنامه‌ی ما از اصولی پیروی می‌کند

همه‌ی مجلات رشد، در تدوین برنامه‌های سالانه‌ی خود از طرح اهداف و راهبردهای مجلات رشد (شش هدف و ۳۶ راهبرد) که مصوب شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است،

پیروی می‌کنند. علاوه بر این برنامه‌ی امسال ما چند اصل مهم را در نظر گرفته است:

✓ طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش، دغدغه‌ی اصلی مجله‌ی ما خواهد بود.

✓ رویکرد فرهنگی - تربیتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همراه با جریان عمومی تحول و نوخواهی و توجه به هویت اسلامی - ایرانی و میراث‌های معنوی و تمدنی کشورمان، در برنامه‌ی مجله لحاظ شده است.

✓ سعی کرده‌ایم در ایجاد موج برای تحول‌آفرینی در جامعه‌ی آموزشی دوره‌ی ابتدایی سهیم باشیم. به همین منظور بحث درباره‌ی اسناد تحول‌آفرین، طرح موفقیت‌ها و تجربه‌های اثرگذار آموزگاران ایرانی، درج پژوهش‌های تربیتی کاربردی، طرح مباحث مرتبط با پیشرفت و عدالت با تأکید بر موقعیت‌های خاص آموزشی (کلاس‌های چند پایه، عشایر، روستایی و...) و نیز انتشار مطالبی که امکان ارائه‌ی طریق دل‌سوزانه و توأم با بینش را به مسئولان آموزش و پرورش در دوره‌ی ابتدایی فراهم می‌کند، در دستور کارمان خواهد بود.

برنامه‌ی ما، چند نکته‌ی خاص دارد

در برنامه‌ی سال تحصیلی ۹۲-۹۱، چند نکته را می‌توان در عمل و به‌وضوح در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی مشاهده کرد:

✓ همان‌طور که در نخستین سطرهای سرمقاله یادآور شدیم، تعداد مؤلفان فرهنگی بیش از مؤلفان حرفه‌ای خواهد بود.

✓ به مطالب کاربردی اولویت بیشتری خواهیم داد. هم‌چنین، مطالبی که به‌طور مستقیم به کار دانش‌آموزان و معلمان بیایند، در اولویت خواهد بود.

✓ بحث پژوهش‌های دانش‌آموزی را در تداوم سلسله مباحث قبلی، این بار با طرح مباحث

کلان مرتبط با پژوهش پی خواهیم گرفت.

✓ مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر را برای چهارمین سال پیاپی ادامه خواهیم داد.

✓ مخاطبان مجله را با برنامه‌ها و کتاب‌های درسی جدیدالتألیف آشنا خواهیم کرد.

✓ با گشودن باب بحثی با عنوان «آموزگاران و فناوری اطلاعات»، سعی خواهیم کرد آخرین یافته‌های حوزه‌ی IT را برای آموزگاران بیان کنیم (البته تأکید اصلی ما این است که همه‌ی ما از جمله آموزگاران خوانندگان مجله‌ی رشد مدرسه‌ی فردا را فراموش نکنیم).

✓ درباره‌ی درس پژوهی که امسال معاونت آموزش ابتدایی آن را مورد تأکید قرار داده است، به‌طور حتم مطالبی منتشر خواهیم کرد. ✓ گپ و گفت با آموزگاران را از طریق شورای معلمان در مدارس یا به‌طور اختصاصی، به شکل جدی پی خواهیم گرفت.

✓ قرار گذاشته‌ایم طی سال تحصیلی جاری، از ادبیات داستانی و قالب‌های گوناگون آن، استفاده‌ی بیشتری کنیم که ادبیات آموزشی معلمان، طنزهای فخیم، داستانک‌ها، داستان‌های کوتاه انگیزشی، و خاطرات خواندنی از آن جمله خواهند بود.

✓ انتشار تجربه‌های نو از ایران و جهان (آشنایی با تازه‌های تعلیم و تربیت در حوزه‌های برنامه‌ریزی درسی، ارزش‌یابی، روش‌های تدریس، طراحی آموزشی و...) را نیز در دستور کارمان گذاشته‌ایم.

برنامه‌ی ما، یک مهمان دارد

سال جاری سومین سالی است که در مجلات رشد، مباحث آموزش ضمن خدمت غیرحضوری فرهنگیان به چاپ می‌رسد. از مهر تا دی ماه ۱۳۹۱، شش صفحه از هر شماره‌ی مجله به محتوای دوره‌ی شماره ۹۱۴۰۰۵۱۳ (آشنایی با اختلالات یادگیری) اختصاص خواهد داشت. این سلسله مطالب

که در چهار شماره میهمان مجله خواهند بود، با علامت یا قالب خاصی مشخص و ترتیبی اتخاذ شده است تا مخاطبان بتوانند با مطالعه‌ی آن در آزمون غیرحضوری مربوطه شرکت کنند. لازم به ذکر است که مجلات رشد از جمله مجله‌ی ما هیچ دخالتی در نام‌نویسی، طراحی سؤال، برگزاری آزمون، اعلام نتیجه و صدور گواهی‌نامه‌ی این دوره‌ها ندارد. ما تنها تهیه‌کننده‌ی محتوای علمی دوره‌ها هستیم. شما برای آگاهی از چگونگی شرکت در این دوره‌ها، می‌بایست به واحدهای آموزش ضمن خدمت ادارات آموزش و پرورش محل خدمت خود مراجعه کنید.

برنامه‌ی ما، یک هدیه دارد

امسال، مانند سه سال پیش، کتابی را از طریق مجله به خوانندگان هدیه می‌کنیم. این کتاب که یکی از معتبرترین آثار تربیتی جدید در جهان است، با عنوان «۱۰۱ راه برای منحصر به فرد ساختن کلاس درس» و در هشت شماره به صورت پیوست به خوانندگان مجله هدیه می‌شود. احتمالاً انتشار مطالب این کتاب تا پایان دوره‌ی هفدهم ادامه می‌یابد.

برنامه‌ی ما، چند قول و قرار داخلی دارد

برای اجرای برنامه‌ی سال جدید، بین سردبیر و اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله، چند قول و قرار داخلی گذاشته شده است: ✓ چون می‌خواهیم افراد بیشتری در تولید مجله سهیم باشند، انتشار مطالب چند صفحه‌ای (سه صفحه و بیشتر) را به شدت تقلیل می‌دهیم و اولویت با مطالب نیم و یک صفحه‌ای است (قابل توجه خوانندگان محترم؛ با ارسال مطالب حجیم، خود را به زحمت نیندازید؛ اولویت ما با مطالب کم حجم است). ✓ سعی می‌کنیم به برگزیدگان مسابقه‌های مجلات رشد، جایزه‌ای یک‌سان با نشان ویژه‌ی دفتر انتشارات یا مجلات رشد اهدا کنیم

✓ چون امسال مجله چهار رنگ خواهد بود، مطالبی که عکس‌های رنگی مطلوب به همراه داشته باشند، در اولویت خواهند بود. ✓ سال گذشته و سال پیش از آن، از عکس‌ها و طرح‌های دختران بیش از عکس‌ها و طرح‌های پسران استفاده شده است. اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله، از سردبیر و مدیر داخلی تعهد گرفتند چون خودشان صاحب دخترند، این همه از عکس دختر استفاده نکنند. ✓ قرار گذاشته‌ایم در تبیین صلاحیت‌های مشترک معلمان با توجه به برنامه‌ی درسی ملی کوشا باشیم.

برنامه‌ی ما، سرفصل دارد

همه‌ی حرف‌هایی که در سطرهای قبلی و در تبیین ویژگی‌های برنامه‌ی سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مجله بیان شد، برای این که به زبان و قالب ژورنالیستی درآیند، باید تحت عنوان سرفصل‌هایی به شما خوانندگان گرامی عرضه شوند. سرفصل‌های مجله در دوره‌ی جدید، چنین خواهد بود:

- یادداشت سردبیر (یا، به جای یادداشت سردبیر)

- برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی (با نگاهی به برنامه‌های درسی جدید و برنامه‌ی درسی ملی)

- تعلیم و تربیت / آموزش
- مبانی نظری پژوهش‌های دانش‌آموزی / پژوهش‌های تربیتی (دو سرفصل جدا و مرتبط با هم)

- لبخندهای کلاسی / یک نکته / خاطرات خواندنی (بخش‌های گوناگون ادبیات داستانی برای معلمان)

- عکس‌های یادگاری، حرف‌های دیگری
- با مجله‌های دانش‌آموزی رشد
- تجربه‌های مشترک (آموزش ابتدایی در سایر کشورها)

- آموزگاران و فناوری اطلاعات
- کتاب‌خانه‌ی مدرسه
- گپ و گفت با آموزگاران (همراه با

آموزگاران در شورای معلمان)
- با آموزگاران بزرگ
- ۱۰۱ راه برای منحصر به فرد ساختن کلاس درس
- فلسفه برای کودکان
- با همراهان / تلنگری برای تفکر (ارتباط با مخاطبان و مسابقه)
- میراث ما (فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی)
- تجربه‌های سبز (پرونده‌ی ۱۶ صفحه‌ای مطالب مخاطبان).

البته ممکن است در حین کار و بنا به ضرورت، صفحات و سرفصل‌های جدیدی هم به مجله افزوده شوند. این کار صرفاً برای پاسخ‌گویی به نیازهای آنی مخاطبان و درخواست‌های سازمانی از مجله است.

عده‌ای از خوانندگان همواره از ما می‌پرسند چه مطالبی را بفرستیم تا حتماً چاپ شود و یا گروه دیگری می‌پرسند، چرا مطلب ارسالی ما کنار گذاشته شد و از آن استفاده نکردیم. به این قبیل دوستان توصیه می‌کنیم حتماً سرمقاله‌ی همین شماره از مجله را بخوانند. ما دست‌اندرکاران رشد آموزش ابتدایی، مجله را با تفکری که چکیده‌ای از آن را در همین یادداشت نسبتاً طولانی خواندید، منتشر می‌کنیم و بدیهی است مطالب شما هم در صورتی که در چارچوب این برنامه قرار گیرد، فرصت انتشار خواهد یافت.

من، در مقام سردبیر مجله، به نوبه‌ی خود از خدای بزرگ سپاس‌گزارم که چنین موقعیتی را در اختیارم قرار داده است تا با آموزگاران تلاشگر و فهیم کشورم سخن بگویم و نیز خوش‌حالم که آن‌ها، من و همکارانم را نماینده‌ی خودشان در مجموعه‌ی وزارت آموزش و پرورش به‌شمار می‌آورند. همه‌ی ما ضمن سپاس‌گزاری از این نعمتی که در اختیارمان قرار گرفته است، سعی می‌کنیم از وکالتی که شما به ما داده‌اید، امانت‌داری کنیم.

برگزیدگان مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر

دوره‌ی سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰



از دوره‌ی سیزدهم، مسابقه‌ای در مجله اجرا شده که «تلنگری برای تفکر» نام گرفته است. در این مسابقه که پرسش‌های آن در سه دوره‌ی گذشته و در هر هشت شماره‌ی مجله و در صفحه‌ی دوم جلد به چاپ می‌رسید، شرکت کنندگان باید به پرسش‌هایی از محتوای پرونده‌ی هر شماره از مجله (تجربه‌های سبز، ۱۶ صفحه‌ی میانی مجله) پاسخ می‌دادند. در سه سال گذشته، استقبال مخاطبان مجله از این مسابقه بی‌نظیر بود. امسال نیز به دلیل فراوانی شرکت کنندگان، اعلام اسامی برگزیدگان به شماره‌ی نخست دوره‌ی جدید موکول شد. اکنون ضمن اعلام نتایج هر هشت مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر در سال تحصیلی ۹۱-۹۰، به استحضار می‌رسانیم برای برگزیدگان، هدیه‌هایی به همراه تقدیرنامه‌ی مدیر مسئول مجلات رشد در نظر گرفته شده است که حداکثر تا پایان مهر ماه ۹۱ به نشانی‌های اعلام شده از سوی آنان ارسال می‌شود. اگر برگزیدگان تا آن تاریخ، جایزه‌ها و تقدیرنامه‌های خود را دریافت نکردند، حتماً به دفتر مجله اطلاع دهند. داوری آثار رسیده توسط اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله صورت پذیرفته است. بدیهی است داوری این قبیل مسابقه‌ها به دلیل کیفی بودن، می‌تواند نسبی و مبتنی بر هم‌رأیی داوران با دیدگاه‌های ذکر شده در پاسخ‌ها باشد.

از کلیه شرکت کنندگان پرشمار و نیز برگزیدگان کم‌شمار این مسابقه سپاس‌گزاری می‌کنیم و امیدواریم امسال نیز هم‌چنان پرشور در مسابقه شرکت کنند.

اسامی برگزیدگان

مسابقه‌ی ۱، مهر ۱۳۹۰

۱. صغری زیبوری - سرایان
۲. غلامرضا نجفی - طبس گلشن
۳. پروین روزبهانی - آبادان
۴. افسر دهقان دهنوی - تفت
۵. اصغر افتخاری هریس - هریس

مسابقه‌ی ۲، آبان ۱۳۹۰

۱. معصومه اسماعیلی - یزد
۲. ملیحه محجوب‌زاده - علامرودشت (دهنو)
۳. فاطمه خلیلی - خمینی‌شهر
۴. مهدی کاظمی - شهرضا
۵. مسیب محبی‌فر - نایین

مسابقه‌ی ۳، آذر ۱۳۹۰

۱. حبیبه طاهری قرمزگلی - آذرشهر (گوگان)
۲. رقیه فلاح - زنجان
۳. معصومه رحیمی - تهران

۴. نصرت نجف‌زاده - طبس

۵. محمدکریم سبحانی - بوشهر (سعدآباد)

مسابقه‌ی ۴، دی ۱۳۹۰

۱. مریم حیدری - اسلام‌آباد غرب
۲. گیتی رحیمی - همدان
۳. گوهر تاج محمدی - تبریز
۴. محترم فرهادی - اصفهان
۵. سیمین آذری نجف‌آبادی - نجف‌آباد (قهدریجان)

مسابقه‌ی ۵، بهمن ۱۳۹۰

۱. فرخنده خسروی - زاهدان
۲. سیدجعفر شاه‌نوری - فریدون‌کنار
۳. حسین باقری - دیر
۴. نجمه عبدلی - جهرم
۵. علی فلاح آزاد بنی - جویبار

مسابقه‌ی ۶، اسفند ۱۳۹۰

۱. فاطمه رضایی، ماهشهر

۲. فاطمه سلطانی - فریدون‌کنار

۳. زانث نوراللهی - تهران
۴. سعید شایگان دوست - بوانات فارس
۵. الهام کبیری - خمینی‌شهر

مسابقه‌ی ۷، فروردین ۱۳۹۱

۱. یوسف منتشلو - قره (دلبران)
۲. سیما معزز - کاشمر
۳. سیمین آزاد - شهرکرد
۴. فاطمه کشاورز دهنوی - قم
۵. علی کاظمی تازه‌کندی - ارومیه

مسابقه‌ی ۸، اردیبهشت ۱۳۹۱

۱. میترا محمدحسین‌زاده سبزواری - طرکبه (طرقدر)
۲. ابوالفضل یوسفی ممقانی - ممقان
۳. حسین سروده - لامرد
۴. نسترن بهرامی - مرودشت
۵. مصطفی عسکری‌پور - فسا (فدشکویه)

اسامی برگزیدگان مسابقه‌ی «لذت مطالعه» در شماره‌ی بعد معرفی می‌شود

معلم چند پایه باید هنرمند و همه فن حریف باشد

گفت‌وگو با **فضل‌الله عبدی**، معاون آموزگار شازندی و دارنده‌ی رتبه‌ی برتر در جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس

اشاره

جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس، از جمله برنامه‌های کیفی و اثرگذاری است که اداره‌های آموزش و پرورش بسیاری از استان‌ها و شهرستان‌های کشور برگزار می‌کنند. اداره‌ی آموزش و پرورش شازند از توابع استان مرکزی هم از جمله اداراتی است که در سال تحصیلی گذشته این جشنواره را برگزار و از برگزیدگان، در هفته‌ی معلم (اردیبهشت ۱۳۹۱) تقدیر کرد. حضور مرتضی مجدفر در جمع فرهنگیان شهرستان شازند برای سخن‌رانی درباره‌ی روش‌های تدریس و هم‌زمانی این برنامه با مراسم اهدای جوایز برگزیدگان، فرصتی ایجاد کرد تا سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با یکی از برگزیدگان این جشنواره گفت‌وگویی انجام دهد. این گفت‌وگو را در پی می‌آوریم.

تا حالا کمتر دیده بودیم برای کلاس‌های چند پایه هم جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس برگزار نشود؟ چرا؟

● بله، درست است. متأسفانه به دلیل این که آموزگاران به محض این که چند سال سابقه‌ی تدریس پیدا می‌کنند، از کلاس‌های چند پایه‌ی روستایی به مدارس پرجمعیت و نیز مدرسه‌های شهری منتقل می‌شوند، جشنواره‌ی الگوهای چند پایه با استقبال روبه‌رو نمی‌شود. شاید من جزو استثناها باشم که ۲۵ سال است در کلاس‌های چند پایه تدریس می‌کنم. اگر همکاران لذت حضور در کلاس‌های چند پایه را بچشند و بتوانند از تجربه‌های هم‌دیگر با توجه به پیشرفت علوم و توسعه‌ی روش‌های تدریس از لحاظ کمی و کیفی بهره ببرند، آن موقع باید انتظار خوبی از جامعه‌ی دانش‌آموزی داشته باشیم. البته مسئولان هم باید حمایت کنند و باعث تشویق همکاران برای حضور در چنین جشنواره‌هایی شوند. معلم چندپایه، باید هنرمند و همه‌فن حریف باشد. نایل شدن به

این هنرمندی و همه‌فن حریفی، کار سختی است، وقت زیادی می‌خواهد، حوصله می‌طلبد و همین‌ها باعث شرکت نکردن همکاران می‌شود.

دلیل رتبه آوردن خودتان را چه می‌دانید؟

● به نظر من مهم‌تر از رتبه، نفس شرکت در جشنواره و قرار گرفتن در کوران آموزش است. شرکت در این قبیل برنامه‌ها، نوعی آموزش ضمن خدمت به شیوه‌ی جدید است، اما من خدا را شکر می‌کنم و از داوران هم ممنونم که با توجه به معیارها مرا به عنوان دارنده‌ی رتبه‌ی برتر انتخاب کردند. فکر می‌کنم کارهایی مانند زمینه‌سازی، پویایی در تدریس، ایجاد همکاری در میان اعضای پایه‌های کلاس خودم با دیگر پایه‌ها در حین تدریس، شرکت دادن دانش‌آموزان در قالب گروه، شاد بودن فضای کلاس و نیز اختتام و نتیجه‌گیری خوب از جمله فعالیت‌هایی بود که نظر داوران را به تدریس من جلب کرد.

از دید شما که سال‌هاست در کلاس‌های چند پایه تدریس می‌کنید، امروزه مهم‌ترین مشکلات این کلاس‌ها را چگونه می‌توان فهرست کرد؟

● ۲۵ سال است که چند پایه تدریس می‌کنم. به نظر من مهم‌ترین مشکلات یک معلم چند پایه به این شرح است:

- نداشتن وقت لازم در کلاس درس (همان وقت و کتابی که برای تک‌پایه‌ها در نظر گرفته می‌شود، برای چند پایه‌ها، دو پایه‌ها و سه پایه‌ها هم همان وقت و کتاب منظور می‌شود)
- دوگانگی زبان
- مدرسه و خانه در بخش روستایی (دست‌کم در شهرستان ما)
- بی‌علاقگی خانواده‌های دانش‌آموزان به امر تحصیل فرزندان خود



گفت‌وگو شنونده در یک نگاه

فضل‌الله عبدی، معاون آموزگار آموزشگاه پاسدار سورانه در شازند، فوق‌دیپلم آموزش ابتدایی و دارای ۲۵ سال سابقه‌ی آموزشی و تدریس در کلاس‌های چند پایه‌ی روستایی استان مرکزی.

پایه داده نمی‌شود. من دوست دارم یک نفر به من توضیح دهد چگونه می‌توانم کتاب‌های جدید مبتنی بر برنامه‌ی درسی ملی را در وقتی معادل یک‌پنجم یا یک‌ششم زمان کلاس‌های تک‌پایه به بچه‌های خودم تدریس کنم.

علاوه بر این، کیفیت به جای کمیت، به معنای حذف نمره‌ی خوب است؛ به شرط این که معلم شیوه‌ی جدید را قبول کند و کار را با این روش پیش ببرد. من پذیرفته‌ام که برنامه‌ها و روش‌های جدید، حرکت به سوی توسعه‌ی علمی است، ولی مسئولان ارشد آموزش و پرورش باید به طور جدی دست ما را بگیرند.

باشد. طرح جدید که با تغییرات در کتاب‌های اول ابتدایی آغاز شد - و فکر می‌کنم امسال شامل پایه‌های دوم و ششم جدیدالتأسیس هم باشد - کار ما را زیاد کرده است. اگر معلم تک‌پایه باید با تغییرات یک کلاس آشنا شود، من باید بتوانم خود را با تغییرات تمامی پایه‌ها تطبیق دهم. نداشتن اطلاعات کافی و آشنا نبودن معلمان با شیوه‌های تدریس کتاب‌های جدید از دیگر مشکلات ماست. مضاف بر این که در فیلم‌ها جزوه‌های داده شده و دوره‌هایی که گذاشته می‌شود، اطلاعات کاملی راجع به تدریس این کتاب‌ها در چند

- کمبود فضا و امکانات آموزشی در کلاس‌های چند پایه در قیاس با مدارس عادی - بی‌توجه بودن بسیاری از معلمان به امر تدریس و گذری تلقی کردن کلاس‌های چند پایه

- اهمیت ندادن مسئولان به معلمان چند پایه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی (اگر بگویم معلم چند پایه، چند برابر معلم تک‌پایه تدریس می‌کند، اغراق نکرده‌ام)

- و مشکلی که اخیراً شاهد آن هستیم و آن کاهش تدریجی دانش‌آموزان این قبیل کلاس‌هاست؛ به طوری که امکان انحلال این کلاس‌ها وجود دارد.

حاشیه‌های جشنواره‌ی شازند

* به نظر می‌رسد آموزش و پرورش شازند، توجه به برنامه‌های کیفی و عمیق را در دستور کار خود قرار داده است. آقای احمدلو، رئیس اداره، به ما گفت: «برای سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، توسعه‌ی روش‌ها و الگوهای تدریس در سطح شهرستان و روستاهای تابعه را جزو برنامه‌های خود گذاشته‌ایم.»

* عده‌ای از شرکت‌کنندگان در جشنواره، که اتفاقاً جزو برگزیدگان نبودند و در دانشگاه اراک یا دیگر دانشگاه‌های کشور در رشته‌های علوم تربیتی در سطح کارشناسی ارشد آموزش دیده بودند، از کم‌اطلاعی برخی داوران جشنواره نسبت به روش‌های نوین تدریس گله می‌کردند. یکی از همین آموزگاران می‌گفت: «من به شیوه‌ی پژوهش گروهی تدریس کردم ولی داوران گفتند که دانش‌آموزان را به حال خود رها کرده‌ام. به نظرم اگر با شیوه‌ی تدریس من آشنا بودند، چنین حرفی نمی‌زدند.»

* یکی دیگر از انتقادهای معلمان دانش‌آموخته‌ی علوم تربیتی در شازند، از شیوه‌ی تدریس معلمان بود که در آزمون ورودی سال قبل، در رشته‌های غیرمرتبط و بدون آموزش‌های درست و اصولی وارد آموزش و پرورش شدند. یکی از آن‌ها می‌گفت: «این همه فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی داریم، آن وقت یک نفر مهندس برق را که به هر نحوی در آزمون پذیرفته شده است، سر کلاس ابتدایی فرستاده‌اند. این فرد که از دوستان و هم‌محل‌های ماست، با خنده می‌گفت چون هیچ وقت سابقه‌ی تدریس نداشته و اصلاً نمی‌دانسته که چگونه باید تدریس کند، در روز اول حضورش در پایه‌ی دوم، ۲۶ صفحه از کتاب علوم را درس داده است.»

آیا هم‌سان‌سازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی، به ویژه پایه‌ی اول که یک سال از اجرا را پشت‌سر گذاشته است، در برنامه‌ی کاری شما هم تأثیر داشته است؟

● بالاخره برنامه و کتاب عوض می‌شود، درس جدید می‌شود، من معلم و

دانش‌آموز هم باید با شیوه‌های جدید، کار خود را پیش ببریم. ابلاغ و اجرای برنامه‌های آموزشی جدید، باید با ارائه‌ی امکانات و وسایل آموزشی مرتبط همراه

پژوهش در چهار سطح



بازیابی جایگاه پژوهش‌های دانش‌آموزی در میان مفاهیم رایج پژوهش

ابراهیم اصلانی

اشاره

در سال‌های گذشته، همیشه مطالبی درباره‌ی پژوهش‌های دانش‌آموزی در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به چاپ رسیده است. در دو سال اخیر هم، مجموعه مطالب دکتر لیلا سلیمه‌دار را که با هدف آشنا کردن آموزگاران و والدین با مفهوم، ابعاد و کارکردهای پژوهش دانش‌آموزی در مجله گنجانده شده بود، خوانده‌اید. امسال نیز در نظر داریم موضوع را از زاویه‌ای دیگر و البته کلی‌تر، بررسی کنیم. اگرچه هدف عمده از این مطالب، تعیین چارچوب‌های نظری پژوهش‌های دانش‌آموزی است، ولی آموزه‌های کاربردی فراوانی نیز در آن‌ها خواهید یافت. اطمینان داریم این نوع طرح موضوع برای آموزگاران، مدیران، پدر و مادرها و همه‌ی علاقه‌مندیانی که نگاهی بنیادی به موضوعات دارند، بسیار مفید واقع خواهد شد.

در قسمت اول، نویسنده با تعیین چهار سطح برای مفهوم پژوهش، ضمن مرور انواع رسمی‌تر پژوهش، به خوبی ارتباط دانش‌آموزان را با موضوع نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های مشابه قبلی، به طرح فرضیه می‌پردازد. روش پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه چه‌گونه آزموده شود و براساس آن، اطلاعات یا داده‌های لازم چه‌گونه جمع‌آوری شوند.

پس از جمع‌آوری داده‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل آن‌ها، اگر نتایج حاصل شده، درستی فرضیه را تأیید کرد؛ دو حالت پیش می‌آید. اگر نتیجه جزئی باشد، می‌گویند یک واقعیت به اثبات رسیده و اگر نتیجه کلی باشد، می‌گویند یک قانون به دست آمده است.

پس از کشف چندین قانون در یک زمینه‌ی علمی، از ترکیب و ادغام آن‌ها، قانون جامع‌تری به دست می‌آید که نظریه‌ی علمی نامیده می‌شود.

هدف اساسی علم، نظریه است. به عبارت دیگر، نظریه حد‌اعلای علم به شمار می‌آید و نظریه‌پردازان کسانی هستند که با تسلط کامل بر مفاهیم و دانش رشته‌ی علمی خود، قوانین و دانش‌ها را نظم می‌دهند و تصویر جامعی از یک موضوع، به‌وجود می‌آورند. برای مثال، نظریه‌ی رشد، تحلیل خاصی از مراحل و چگونگی رشد را نشان می‌دهد و به ما کمک می‌کند درک جامعی از مسائل مربوطه به رشد به دست آوریم.

یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ارزیابی نظریه، روش‌شناسی آن است. هرچه یک نظریه مبانی پژوهشی مستحکم‌تری داشته باشد، از قوت بیشتری برخوردار خواهد بود. برای نقد هر نظریه، پیش از هر چیز

پژوهش‌های دانش‌آموزی چه جایگاهی در میان مفاهیم رایج پژوهش دارد؟ نسبت آن با پژوهش‌های رسمی چیست؟ آیا اصولاً لازم است دانش‌آموزان وارد حیطه‌ی پژوهش شوند، چه‌گونه؟

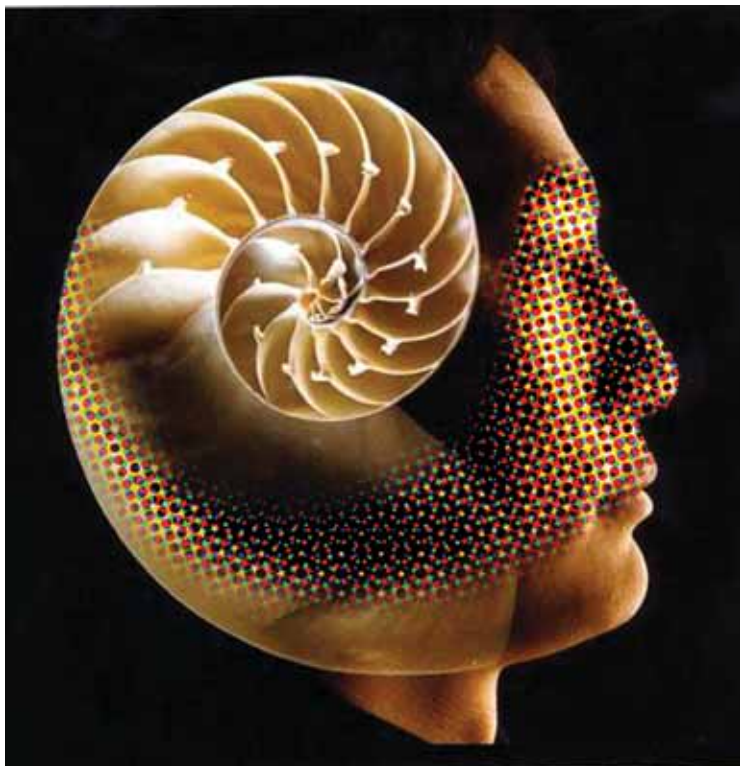
بازیابی جایگاه پژوهش‌های دانش‌آموزی، هم می‌تواند به درکی بهتر از این مفهوم برسد و هم برنامه‌ها و فعالیت‌ها را در مسیری درست هدایت کند.

با محور قرار دادن بحث پژوهش‌های دانش‌آموزی می‌توان چهار سطح برای مفهوم پژوهش در نظر گرفت. شاید بهتر بود بررسی این سطوح را از پژوهش‌های دانش‌آموزی شروع می‌کردیم و بعد به مراتب دیگر می‌رسیدیم اما به نظر می‌رسد با نگرش از کل به جزء، درک مناسب‌تری از موضوع به دست خواهد آمد. وقتی با ویژگی‌های رسمی پژوهش آشنا شوید، درک آن‌چه از پژوهش‌های دانش‌آموزی انتظار می‌رود، راحت‌تر خواهد بود.

۱. پژوهش به عنوان کار دانشمندان (پژوهش نظریه‌ای)

به طور معمول، یک سؤال یا مسئله آغازگر پژوهش است. بعد از طرح مسئله یا سؤال است که پژوهشگر به پژوهش، می‌پردازد. پژوهشگر براساس دانش و نظریه‌های موجود در رشته‌ی خود و نیز

اجتماعی و تربیتی، کاربرد بیشتری پیدا کرد، در ایران با عنوان اقدام‌پژوهی شناخته می‌شود. اقدام‌پژوهی نه به دنبال نظریه‌پردازی و



نه در پی کاربردهای عمومی است. تأکید آن بر این‌جا و اکنون است. مسئله‌ای فوری در موقعیت فعلی پیش آمده است که باید حل شود و این اقدام از طریق روش علمی صورت می‌گیرد.

معلمانی که به اقدام‌پژوهی روی می‌آورند، در آموزش و پرورش ایران به عنوان «معلم پژوهنده» شناخته می‌شوند. اقدام‌پژوهی بر مشکلات و تصمیمات خاص یک معلم یا گروهی از معلمان متمرکز است؛ به عبارت دیگر پژوهشی است که به وسیله‌ی معلمان در مدارس و کلاس‌های خودشان اجرا می‌شود.

هدف اقدام‌پژوهی مشکل‌گشایی به روش علمی و منطقی است. در اقدام‌پژوهی، معلم ابتدا مسئله‌ای مربوط به کلاس درس را شناسایی می‌کند، بعد به طراحی روش‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی آن مسئله می‌پردازد و سپس، به اجرای روش‌های مورد نظر خود و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز اقدام می‌کند. سرانجام به کمک این اطلاعات به درک بهتری از مسئله می‌رسد و تصمیم‌های مناسبی درباره‌ی آن اتخاذ می‌کند.^۲

اقدام‌پژوهی می‌تواند توسط مدیر مدرسه، گروهی از معلمان یا حتی جمع مشخصی از مدرسه درباره‌ی موضوعی در مدرسه انجام شود. نکته‌ی بسیار مهم در انتخاب و اجرای اقدام‌پژوهی، علم باوری و پیروی از روش علمی است.

به سراغ آن می‌روند که ببینند نظریه تا چه اندازه مبتنی بر یافته‌های پژوهشی است. به عنوان مثال، نظریه‌ی روان‌کاوی فروید از نظر روش‌شناسی زیر سؤال است؛ چرا که بیشتر بر اساس تجربیات بالینی است نه روش‌های پژوهشی. حتی درباره‌ی نظریه‌ی پرنفوذ و جامع ژان پیاژه نیز گاهی این ایراد طرح می‌شود که بخشی از یافته‌ها در نظریه‌ی او پژوهشی نیستند.

به این ترتیب، اولین سطح از پژوهش مربوط به دانشمندان نظریه‌پرداز است. پژوهش‌گران در این سطح، با نگرشی کاملاً هدفمند به سراغ موضوعی می‌روند و درباره‌ی آن پژوهش‌هایی نظام‌دار و مداوم انجام می‌دهند. درک این نکته که یک نظریه به‌طور معمول، حاصل ده‌ها سال فعالیت پژوهشی یک دانشمند است، حس احترام هر انسان دانش‌دوست و یادگیرنده را برمی‌انگیزد.

پژوهش برای نظریه‌پرداز فقط یک کار و حرفه نیست، بلکه بخش عمده‌ای از زندگی اوست. پژوهش‌گر نظریه‌پرداز می‌داند که نظریه‌ی او در آینده با ملاک روش‌شناسی داوری خواهد شد و هر چه بتواند با یافته‌های پژوهشی نظریه‌اش را تحلیل کند و به جوانب موضوع پاسخ دهد، از بونه‌ی نقد موفق‌تر بیرون خواهد آمد.

۲. پژوهش به عنوان یک حرفه (پژوهش رسمی)

افراد زیادی به عنوان کار دانشگاهی، حرفه یا علاقه‌مندی شخصی یا کسی که در آزمایشگاه کارخانه یا شرکتی کار می‌کند، با پژوهش درگیرند. منظور از اصطلاح پژوهش رسمی برای این گروه، بیان نوع ارتباط آن‌ها با پژوهش است. بسیاری از کسانی که به طور رسمی به فعالیت‌های پژوهشی اشتغال دارند، به کارشان علاقه‌مندند و با اشتیاق آن را دنبال می‌کنند.

پژوهش رسمی از نظر روش‌شناسی دقیقاً مثل پژوهش نظریه‌ای عمل می‌کند و تفاوت عمده‌ی آن‌ها در هدف پژوهش است. یک دانشمند براساس اندیشه‌ها و علایق خود، به اقبال رسیدن به نظریه‌ای است، اما یک پژوهش‌گر رسمی براساس نیاز پیش آمده یا سفارش کارفرما، به دنبال پیدا کردن راه‌حل‌هایی برای مسائل یا درک روابط بین پدیده‌است. بسیاری از امکانات و تجهیزاتی که در اطراف خود می‌بینیم، حاصل تلاش پژوهش‌گران حرفه‌ای است. سرعت تغییرات در دنیای فناوری، به نوعی حاصل پژوهش‌های گسترده پژوهش‌گران رسمی در ابعاد گوناگون است. یافته‌های این پژوهش‌ها به‌طور مستمر و سریع، روش و کیفیت زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. پژوهش به عنوان اقدامی مشکل‌گشا (اقدام‌پژوهی)

از اواخر دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی، نوعی از پژوهش مورد توجه قرار گرفت که در انحصار متخصصان نبود و به افراد در حل مشکلات حیظه‌ی کاری‌شان کمک می‌کرد. این نوع پژوهش که در حیظه‌های

علم، تحول یافته، روش منظم و دارای مراحل مشخص است. وقتی از پژوهش به عنوان کار دانشمندان صحبت می‌کردیم، روش عمومی انجام پژوهش هم مطرح شد.



روش علمی در واقع همان روش پژوهش است؛ با این تفاوت که روش علمی کارکردی عمومی دارد و از الگوی آن در همه‌ی امور زندگی می‌توان استفاده کرد اما پژوهش، کارکرد رسمی، نظام‌دار و عمیق‌تر روش علمی است.

به این ترتیب، وقتی از پژوهش در چهار سطح صحبت می‌کنیم، در واقع مبنای عمومی بحث روش علمی است اما در سطح چهارم مواجهه با روش علمی شکل رسمی‌تر پیدا می‌کند. در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت.

فرصت‌هایی برای اندیشه و عمل

۱. با مطالعه‌ی زندگی چند دانشمند نظریه‌پرداز، ببینید آن‌ها چه‌گونه کار کرده‌اند. سعی کنید این افراد از حوزه‌های گوناگون علمی باشند تا امکان مقایسه‌ی روش کارشان فراهم شود.
۲. آیا مصادیقی از پژوهش به عنوان یک حرفه سراغ دارید؟ آیا پژوهش‌های دانشگاهی را که با هدف دریافت مدرک تحصیلی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری تألیف شده‌اند، می‌توان در این سطح جای داد؟
۳. آیا مرزبندی بین سطح‌های مطرح شده قطعی است؟ می‌توان افرادی را یافت که در مرز سطح‌ها قرار گیرند؟
۴. شما به اقدام‌پژوهی به عنوان کاری برای کسب رتبه و دریافت امتیاز نگاه می‌کنید یا به آن نگاهی علمی دارید؟ به نظر شما فاصله‌ی سطح سه تا سطح دو چه‌قدر است؟
۵. بر مبنای مباحث مطرح شده، ارزیابی شما از وضعیت فعلی پژوهش‌های دانش‌آموزی چیست؟

پی‌نوشت
 ۱ و ۲. در تهیه‌ی این مطالب از کتاب «روانشناسی پرورشی نوین» تألیف دکتر علی‌اکبر سیف نسخه‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۶ با دخل و تصرف، بهره گرفته‌ام.

۴. پژوهش به عنوان روش تفکر (تفکر پژوهشی)

آنچه باید هدف پژوهش‌های دانش‌آموزی قرار گیرد، استفاده از پژوهش و در واقع روش علمی، به عنوان یک روش تفکر و حل مسئله است. تفکر پژوهشی را می‌توان «کاربست مراحل روش علمی در مسائل زندگی» تعریف کرد.

با این نگرش، وارد فرایندی بنیادی و ریشه‌ای می‌شویم؛ فرایندی که با نوع اندیشیدن سروکار دارد. اگر پژوهش‌های دانش‌آموزی مهم است، نه به دلیل آن که می‌خواهیم دانش‌آموز الزاماً مسئله‌ای را در موقعیتی حل کند یا با مسیر رسمی پژوهش آشنا شود، بلکه به این دلیل که تشخیص دهد چه‌گونه با مسئله‌ای مواجه شود، چه‌گونه درباره‌ی آن بیندیشد و موضوع را مدیریت کند.

در این سطح که مخاطب آن نه فقط دانش‌آموزان بلکه همه‌ی مردم می‌توانند باشند، استفاده از قابلیت‌های روش علمی به عنوان روشی برای تفکر مدنظر است. روش علمی امکانی برای اندیشیدن منظم، منطقی و هدفمند فراهم می‌کند و به نوعی درمقابل روش‌های احساسی، هیجانی و آشفته‌اندیشیدن قرار می‌گیرد. به طور حتم اساس توسعه‌ی تفکر پژوهشی از مدارس آغاز می‌شود. ما با ایده‌ی آغاز پژوهش از دبستان و حتی پیش از دبستان موافقیم؛ به شرط آن که نتیجه‌ی آن صرفاً طراحی کتابچه‌ها، جزوه‌ها و اقدامات مشابه نباشد. هر فعالیتی در مدرسه که نام پژوهش به آن نهاده می‌شود، باید بر تفکر پژوهشی مبتنی باشد و جریان اندیشه‌ورزی در آن دیده شود؛ وگرنه مطابق معمول گرفتار جریان‌های کلیشه‌ای و تک‌بعدی آموزشی خواهیم شد که با رنگ و لعاب پژوهش معرفی می‌شوند.

پژوهش‌های بنیادی و کاربردی

در این قسمت از بحث بی‌مناسبت نیست که به یک موضوع مرتبط اشاره کنیم. پژوهش‌های علمی را به دو دسته‌ی بنیادی و کاربردی تقسیم می‌کنند. هدف عمده‌ی پژوهش بنیادی، کشف مجهولات یا روابط بین امور و افزایش دانش بشر است. این نوع پژوهش‌ها، یافته‌های اساسی و زیربنایی علمی را تدارک می‌بینند. پژوهش‌های کاربردی به دنبال فراهم آوردن نتایج عملی و قابل استفاده هستند. هدف اصلی پژوهش کاربردی، پیدا کردن راه‌حل برای مشکلات زندگی و یافتن زمینه‌هایی است که در آن‌ها از نتایج پژوهش‌های بنیادی استفاده شود.

از مقایسه‌ی این بحث با مطالب پیشین می‌توان استنباط کرد که پژوهش‌های بنیادی بیشتر توسط دانشمندان نظریه‌پرداز انجام می‌شود و پژوهش‌های کاربردی هم در موقعیت‌های رسمی و حرفه‌ای صورت می‌گیرد.

پژوهش و روش علمی

مبنای علم، روش علمی است. روش علمی که همراه پیشرفت

چکمه‌های گلی

تارا رسولی

مدیر مدرسه‌ی پروین اعتصامی، مریوان

همین سرم را به طرف پایین خم می‌کردم. یک روز ناگاه زمانی که سرم را بلند کردم، دیگر اثری از بچه‌ها پشت میزها دیده نمی‌شد. جالب توجه بود همه‌ی آن‌ها با سری خمیده به سمت کفش‌هایشان رفته بودند و دستمال به دست همراه با قوطی‌های کوچک در حال تمیز کردن کفش‌هایشان بودند. چکمه‌های آن‌ها نیز تمیز بود و برق می‌زد. آن موقع بود که فهمیدم معلمی شغل نیست و معلم الگوی بسیار مناسبی برای تغییر دادن نگرش بچه‌هاست.

به امید آن که در تمام دوران تدریس بتوانیم نگرشی مثبت در بچه‌های پاک و معصوم به‌وجود آوریم.

مدت‌ها فهمیدم. ماجرا از این قرار بود که هنگام وارد شدن به مدرسه و کلاس کفش‌هایم را تمیز می‌کردم و بعد از من هم بچه‌های معصوم با آن چشم‌های سیاه یارنگی با چکمه‌های قرمز، نارنجی، و سبز تمیز وارد کلاس می‌شدند. آن‌ها با دیدن کفش‌های تمیز من چکمه‌های رنگی خود را قبل از ورود تمیز می‌کردند و با کفش‌های گلی وارد کلاس نمی‌شدند. همیشه پنج دقیقه مانده به آخر زنگ، به بچه‌ها فرصتی می‌دادم تا کیف‌ها و وسایل خود را جمع کنند و برای رفتن به خانه آماده شوند. خودم هم یک قوطی روغنی کوچک داشتم که با یک دستمال تمیز، گرد و غبار گچ را از کفش‌هایم پاک می‌کردم. برای

سال اول تدریسم را به خوبی به یاد می‌آورم، چرا که خاطره‌ای به یاد ماندنی پس از گذشت سال‌ها در ذهنم به جای مانده و حک شده است.

سال اول تدریسم در یکی از روستاهای حومه‌ی شهر مریوان مشغول به کار شدم. با شروع سال تحصیلی کم‌کم باران‌های پاییزی شروع به باریدن کرد. گویا صدای خش‌خش برگ‌های پاییزی درختان در حیاط مدرسه با آوای کودکان در هم تنیده می‌شد و سرودی زیبا به گوش می‌رسید. با این همه زیبایی‌های طبیعت، فقط شکایت بابای مدرسه به گوش می‌رسید. چون کوچه‌ها خاکی بود و بچه‌ها بیا کفش‌های گلی وارد مدرسه و کلاس‌ها می‌شدند. با وجود این، پس از اتمام کلاس و موقع خداحافظی، بابا از من تشکر کرد. من دلیل این سپاس‌گزاری و رضایت را بعد از



تصویر برگ: نینجا امجد



زری آقاجانی

کارشناس آموزشی و عضو تحریریه‌ی مجله

فرصتی برای اندیشیدن

سرآغاز

بارها شنیده ایم که سؤالات پی‌درپی و به ظاهر نامأنوس برخی کودکان، آموزگاران و پدر و مادرها را به ستوه آورده است اما آیا هیچ وقت به این سؤالات جوابی کامل داده شده است؟ آیا به عمق آن‌ها توجه شده است؟ یادم می‌آید وقتی در دوره‌ی ابتدایی سؤالی - حتی مربوط - از معلم می‌پرسیدم او با اخم می‌گفت: «الآن وقت این سؤال نیست، حواست به درس من باشد!» پس چه موقع، وقت این سؤال‌ها بود؟ متأسفانه تا آخر تحصیلات فرصت پاسخ به این سؤالات پیش نیامد و هر سال سؤال‌های بیشتر و عمیق‌تری مطرح شد! حالا حدود چهار دهه است که موضوعی به نام «فلسفه برای کودکان» در آموزش و پرورش برخی کشورها باز شده است که خوش‌بختانه به وسیله‌ی اندیشمندان فعال، به کشور ما هم رسیده است. وقتی مطالب مربوط به فلسفه برای کودکان را مطالعه می‌کردم، متوجه شدم این همان خلأیی است که در دوران کودکی همه‌ی ما وجود داشت. سؤالاتی که از دید معلمان ما مزاحم کلاس، و از نگاه والدین کلافه‌کننده بود. همان سؤالات فلسفی بودند که حالا زیر خروارها علامت سؤال دفن شده‌اند!

از این که به آن سؤالات پاسخ داده نشده و جدی گرفته نشدند، نباید ناراحت بود، زیرا آن روزها مسائل تعلیم و تربیت همان‌گونه باید جریان می‌یافت، ولی امروزه با ورود مطالب نوین آموزشی؛ طرز تفکرها هم جدید شده است. امیدواریم که به چراهای بچه‌های امروز و فردا توجه شود و به آنان بیاموزند که چگونه پاسخ‌هایشان را پیدا کنند.

از این رو در دوره‌ی جاری، طی چند شماره مطالبی درباره‌ی آموزش فلسفه به کودکان و ویژگی‌های مربی و کلاس فلسفه و خصوصیات داستان‌های فلسفی همراه با چند نمونه داستان در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی منتشر خواهد شد. امید است با چاپ این مطالب و آشنایی آموزگاران گرامی با این موضوع، قدمی مؤثر در راه تربیت کودکانی فکور برای ایران اسلامی برداشته شود.



مرتضی طاهری

کارشناس تعلیم و تربیت

پیرها، جوان می‌شوند؟!!

بازتاب

اشاره

در سرمقاله‌ی شماره‌ی چهار دوره‌ی گذشته (دی‌ماه ۱۳۹۰، شماره‌ی ۱۲۱)، با عنوان «جوان‌هایی که پیر شدند...»، سردبیر مجله با ذکر خاطره‌ای، از بازنشسته شدن ۲۷ هزار معلمی سخن گفته بود که در دی‌ماه سال ۱۳۶۰ وارد آموزش و پرورش کشورمان شده و بسیاری از آنان، علاوه بر معلمی، منشأ خدمات فراوانی در جامعه‌ی تعلیم و تربیت شدند. سرمقاله‌ی مذکور، بازتاب‌های فراوانی داشت. علاوه بر مراجعات حضوری و تماس‌های تلفنی، عده‌ای نیز به صورت مکتوب به این نوشته پاسخ دادند که از میان پاسخ‌های مکتوب، یکی از آن‌ها را به انتخاب اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله منتشر می‌کنیم.

مطلب زیبا و اثرگذار جناب آقای مجدفر را در سرمقاله‌ی رشد آموزش ابتدایی شماره‌ی دی‌ماه ۱۳۹۰ خواندم و در پی آن نکته‌ای به نظرم رسید که به آن اشاره می‌کنم. شکی نیست که انسان از دو بعد «جسم» و «روح» ترکیب یافته و هر کدام از این دو نیز در جای خود مهم و غیرقابل انکار هستند. جسم انسان با افزایش سن او فرسوده می‌شود. به مصداق بخشی از آیه‌ی شریفه‌ی ۶۸ از سوره‌ی یس: «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِی الْخَلْقِ...» (هر که را عمر دراز دهیم، در



تاریخچه‌ی فلسفه برای کودکان

می‌گویند که در یونان باستان فیلسوفان را دوست‌دار خرد یا دانایی می‌دانستند. آن‌ها در فکر کردن قدرت بسیار بالایی داشتند. کلمهٔ فلسفه از دو لغت لاتین «فیلو» به معنی «فراگرفتن» و «سوفوس» به معنای «خرد» گرفته شده است.

سقراط، که یکی از معلمان بزرگ فلسفه است، برای تعلیم شاگردانش از سؤال کردن به شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کرد، زیرا معتقد بود که «پرسش‌ها» منابع و آغازگر دانش‌اند. او همیشه در جلسات درس، سؤال‌های گوناگونی را مطرح می‌کرد تا ابعاد تفکر و اندیشیدن را در شاگردانش تقویت کند. از بیان آموزش سقراطی هدفی داریم که در ادامه‌ی بحث به آن می‌رسیم. سالیان سال مردم فکر می‌کردند که فلسفه محدود به قشر خاصی است و فقط بزرگ‌ترها

هستند که می‌توانند آن را بیاموزند! اما در سال ۱۹۶۰ میلادی متیولپمن، استاد فلسفه‌ی دانشگاه نیوجرسی، با الهام از جان دیویی تصمیم گرفت رشته‌ی فلسفه برای کودکان را به وجود آورد. او وقتی متوجه شد که مهارت تفکر دانشجویانش آن‌طور که انتظار دارد، نیست، به این فکر افتاد که از کودکی باید آموزش فلسفیدن را آغاز کرد. بنابراین دانشگاه را رها کرد و برای آموزش فلسفه به کودکان به تحقیق پرداخت. پس از مدت ۱۰ سال، او داستان را قالبی مناسب برای آموزش فلسفه به کودکان معرفی کرد، زیرا معتقد بود داستان برای کودکان جذابیتی خاص دارد و آن‌ها از نظر ذهنی و شخصیتی با داستان ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. چنین شد که او نوشتن اولین داستان‌های فلسفی برای کودکان را آغاز کرد. لپمن بعدها به

کمک همکارانش پژوهش‌کننده‌ی توسعه و پیشبرد فلسفه برای کودکان را تأسیس کرد. بعد از مرگ لپمن، دیگر استادان فلسفه برای کودکان، از جمله همکارش خانم **آن مارگارت شارپ** مشتاقانه روی این موضوع کار می‌کنند.

لازم به ذکر است که در انگلستان نیز شیوه‌ی دیگری با عنوان آموزش فلسفه به کودکان به وسیله‌ی شخصی به نام **گرت بی متیوز** در حال اجراست.

در کشور ما نیز فلسفه برای کودکان علاوه بر فعالیت‌های موردی و خاص، به‌طور مشخص در مراکزی مانند بنیاد حکمت اسلامی صدرا در حال پژوهش، بررسی و آموزش است.



آفرینش دگرگونش کنیم...، به تدریج از توان انسان کاسته می‌شود تا به مثابه شعله‌ی شمع، روی به خاموشی گذارد. اما روح او چیست و برای روح چه اتفاقاتی می‌افتد.

خالق بی‌همتای هستی خود فرموده است که روح از «امر» من است و برای همین بشر را نرسد به آن‌که به سر و کنه این پدیده و واقعیت، دست یابد.

دیده‌ها و شنیده‌ها حاکی از آن است که برخلاف جسم، با افزایش سن انسان روح، قوی‌تر، گسترده‌تر، وسیع‌تر و بالنده‌تر می‌شود و به عبارت دیگر این بُعد از ابعاد وجودی انسان، به جای آن‌که پیر و فرسوده شود، برعکس، جوان می‌گردد!

بسیاری معتقدند

که اصل وجود انسان، که مرگ ندارد و حاصل

اندوخته‌های جاویداوست، همین روح است که در سرای باقی و پس از آن تا نهایت هستی، حیات او را استمرار می‌بخشد و در هنگامه‌ی رستخیز نیز در جسم جدید، او حلول می‌کند. پس ای برادر عزیز! شما و همه‌ی آنان

که با افزایش سن، رو به پیری ظاهری و جسمانی می‌روند، به واقع از نظر روحی جوان می‌گردد و به جز موارد بیماری (مثل دیمانس و زوال عقل، آلزایمر و...) در پیری ابدان، شاهد رشد تفکر، خلاقیت و... در ارواح هستیم. و به تعبیری: پیری آن نیست که بر روی، زند موی سپید.

۱۰۱ روش

برای منحصر به فرد ساختن
 کلاس های درس

یک کتاب در یک نگاه

نویسنده: دکتر جیمز دی. ساتن

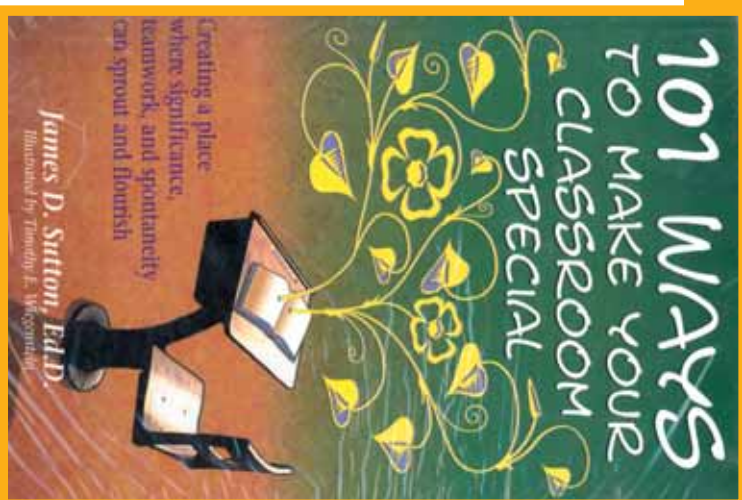
مترجم: نگار مجتفر

اشاره

در سال های گذشته، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی این افتخار را داشته است که در طی یک یا دو دوره از انتشار خود، مطالب یک کتاب را به‌طور کامل به خوانندگان محترم تقدیم کند. آخرین نمونه از این نوع فعالیت به کتابی مربوط می‌شود که در دوره‌ی سیزدهم، با عنوان «نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق» در هشتم شماره‌ی مجله منتشر شد. در این دوره و اگر کفایت نکند، در دوره‌ی بعد، ترجمه‌ی کتاب «۱۰۱ روش برای منحصر به فرد ساختن کلاس های درس» را که نوشته‌ی دکتر جیمز دی. ساتن^۱ است و «انتشارات بلوطهای دوست‌داشتنی»^۲ در آمریکا آن را به چاپ رسانده است، به خوانندگان مجله هدیه خواهد شد. مؤلف این کتاب آثار دیگری هم دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: «اگر کودک بسیار نازنین است، چرا مرادبونه می‌کند؟»^۳، «کودکان بحران، جرم و فقر»^۴ و «پنج‌ره‌ها»^۵.

در کتاب حاضر، مؤلف به دنبال ارائه‌ی روش‌هایی است که طی آن‌ها در کلاس‌های درس، مفهوم کار گروهی و خودانگیختگی بروز می‌یابد. او کتاب خود را به تمام کودکانی که در مسیر زندگی‌اش قرار داشته‌اند و نیز به تمام بزرگسالانی که او را برانگیخته‌اند، تقدیم کرده است.

بخش اول این کتاب را که شامل پیش‌گفتار و فصل اول است، در پی می‌آوریم.



پیش‌گفتار

معلمی‌ماهر

درس

اولین کلاس رفتگی‌ام، من و پدرم را جان به لب کرد. من به عنوان کار تابستانی، با پدرم در میدان‌های نفتی کار می‌کردم. در یک روز کسل‌کننده همراه پدرم سوار بر خودروی کهنه‌ی او، اولین کلاس رفتگی‌ام را آغاز کردم اما من ناگهان کنترل کلاچ را از دست دادم، هول شدم و چیزی نمانده بود به تعدادی بشکه برخورد کنیم. همه‌چیز تمام شد اما پدرم سرسیمه شدند. ترمز را گرفت و فرمان را به حدی که از تصادف جلوگیری شود، چرخاند. ماشین به سلامت کنار تل شنی یک چاه آب متوقف شد. پدر ناراحت نبود اما من بودم. همان‌جا با خورم عهد کردم که دیگر پشت فرمان ننشینم. ماجرا تمام شده بود.

پدرم، در حالی که ترس را در چهره‌ی من خوانده بود، با آرامش پرسید: «الان این ماشین چه کار می‌کند؟»

«همچی، هیچ کاری نمی‌کنه.»

هفتمی کاری جالب به نظر می‌آید. من تمام گفته‌های او را در لحظه متوجه نشدم، اما مدتی قبل در یافته بودم که افرادی در آن مدرسه هستند که تنها در آن گوشه‌نگار می‌یابند تا از فیش حقوقی و تعطیلات تابستانی استفاده کنند و به‌طور مستقیم چیزی به من نگفت اما من در یافتن که مشاور، کمیونیس به اصل بدبینی و بدگمانی که در تمام مشاغل وجود دارد، اشاره می‌کند.

حالات برافراشتگی (احاط برافروختگی زودگذر وی خطل) می‌تواند برای تمامی ما اتفاق بیفتد؛ به‌خصوص مواقعی که خسته هستیم، تدریس سخت و طاق‌فراستاست. چالشی است که آسایش به راه رفتن و صحبت کردن در خستگی می‌انجامد. خوش‌بختانه چنین مصلحتی بهبود می‌یابد. من خودم در چنین شرایطی بودم.

تحت تعقیب: یک احمق

اما بدبینی یک زهر مهلک است. افراد بدبین به راه‌حل علاقه‌ای ندارند؛ آن‌ها تنها به دنبال آنند تا تقصیر خود را به گردن دیگری بیندازند. این ویژگی در این افراد به‌زیرت تغییر می‌کند (حقیقتی که درباره‌ی بیشتر ما صدق می‌کند). آن‌ها به دنبال فردی احمق می‌گردند و هر احمقی به کارشان می‌آید. بخشی از سخنان آن‌ها این چنین است:

- کودک‌کان امروز قدر هیچ‌چیز را نمی‌دانند؛
- آن‌ها هرگز به آموختن اهمیت نمی‌دهند؛
- آنان فقط گستاخ‌اند، گستاخ‌ها!
- خودتان را به زحمت نیندازید؛ این‌جا هیچ‌کس به هیچ‌چیز اهمیت نمی‌دهد.

این‌گونه دیدگاه‌ها، که در تمامی شرایط صدق می‌کنند، خطرناک هستند. صاحبان چنین دیدگاه‌هایی قادر به درک این نکته نیستند که هنوز مصلحتان فداکار، دانش‌آموزان کوشا و والدین حامی وجود دارند. اگر به صحت این نکته باور ندارید، این کتاب به درد شما نمی‌خورد.

اصول بنیادی

باید کاملاً هشدار باشید؛ چرا که شاید کسی بخواهد اصل جدیدی را به شما معرفی کند. هیچ اصل جدیدی وجود ندارد! اصول بنیادی همواره به طرز ی‌یورنکردنی در گذر زمان، ثابت، ارزشمند و یکپارچه‌اند و اصولاً فهم آن‌ها کار مشکلی نیست (که همین امر باعث برخی مشکلات می‌شود). عنوان فرعی این کتاب – ایجاد مکانی مناسب برای شکوفایی و رشد هدفه کارگروهی و استقلال – سه مورد از این اصول را معرفی می‌کند. از آن جایی که من به عنوان مدرس و روان‌شناس کودک و بزرگسال بارها با این اصول مواجه بوده‌ام، می‌دانم که تمامی این اصول همان قدر برای بزرگسالان سودمندند که برای کودکان. شاید بهتر باشد نگاه دقیق‌تری به آن‌ها بیندازیم.

– «رسته و قرار هم نیست کاری بکنه مگه این که تو اون رو مجبور به انجام دادن کاری بکنی. و گرنه اون قدر این‌جای مونه تا زنگ بزنه.»

بنابراین تمرین رانندگی را ادامه دادیم. من آن روز علاوه بر رانندگی، دو نکته‌ی دیگر نیز آموختم که تا آخر عمر در ذهنم خواهد ماند. آموختم که پدرم، با این‌که فردی تحصیل‌کرده نیست، معلمی ماهر است. همچنین آموختم که دانش، اعتماد به نفس و روابط بر مبنای بازاری قوی برای ترس و شک هستند.

کدام مکان بهتر است؟

به غیر از خانه، چه مکانی همچون مدرسه برای یادگیری این «بازررها» وجود دارد؟ اگرچه در میان گلانشین برخی از این مهارت‌ها، دیدگاه‌ها و فرایندهای (بازررها) هدف من از نوشتن این کتاب بوده است، ولی گاهی نیز می‌خواستم خودم را بسنجم. من به عنوان یک معلم، به‌خصوص یک معلم تازه‌کار، اشتباهات فراوانی مرتکب شدم. حتی اکنون قول این واقعیت دشوار است که من در کلاس‌هایم، بیشتر به طرح مسائل می‌پردازم تا پاسخ‌هایشان. بنابراین، از آن تجربه‌ها برای پیشرفت استفاده می‌کنم.

این کتاب، شامل هم‌پاری و تجربه‌های برخی از آموزگاران این حرفه است. آنان نیز بسیاری از ایده‌ها و فعالیت‌هایشان را از دیگر معلم‌ها، دوستان و پیش‌گامان این حرفه آموخته‌اند. این کتاب برای آن‌ها لای است که می‌خواهند برای برتری مبارزه کنند و قدم گذاشتن در این راه مطمئناً آنان را منحصربه‌فرد خواهد کرد.

تنها یک توضیح دیگر

پدرم فرد سبانی در پاییز ۱۹۹۸، هنگامی که من مشغول نوشتن اولین پیش‌نویس این کتاب بودم، درگذشت اما تأثیر راهنمایی‌های او در زندگی من همیشه باقی خواهد ماند. گاهی از ته دلم می‌خواهم دوباره در آن خودروی کهنه بشنیم و یکبار دیگر با آن معلم ماهر رانندگی کنم.

فصل اول: چاشنی

«دوری کنید...»
«از افراد منفی گرا دوری کنید.»
برگشتم تا ببینم این نصیحت از جانب کیست، سخن معلمی بود که آن سوی راهرو، روبه‌روی کلاس درس من ایستاده بود. او که فردی بسیار باتجربه بود، در حالی که به انتباهی راهرو اشاره می‌کرد، ادامه داد: «جنی می‌گم»
با نگاه جهت اشاره‌اش را دنبال کردم و به در اتاق مطالعه‌ی دانشکده رسیدم. این کارها برای اولین

اصل اول: همه دوست دارند منحصر به فرد باشند.

هیچ کس نمی خواهد در این گروهی خاکی موجودی اضافی باشد. همه می خواهند مهم و لایق تأیید باشند. آیا **جیمی اسکالانه** را به یاد می آورید؟ **معملی** که موفق شد نمرات ریاضی گروهی از دانش آموزان متوسطه دبیرستان گارفیلد را اس آنجلس را به طوری چشم گیر افزایش دهد؟ فیلم «بایست و به نتیجه برسان» بیان گر دستاوردهای اوست. این فیلم باعث انتخاب او به عنوان معلم سال شد. اسکالانه به دانش آموزانش کمک کرد تا احساس مهم بودن داشته باشند و ماتی، تاریخ است.

من به کودکان پرورشگاهی معروف در غرب نگراس مشاوره می دادم. روزی همان طور که جلوی ساختمان مدیریت ایستاده بودم، دانش آموزان از سرویس مدرسه پیاده شدند. تعداد زیادی از آن ها متوجه من شدند و توجه من نیز جلب کردند. آن ها به خود اشاره می کردند و می گفتند: «ما اصدا کن! ما اصدا کن!» دلیل علاقمی آنان به گذران وقت با من این بود که احساس مهم بودن پیدا می کردند. البته باید این نکته را ذکر کنم که من نیز در مقابل، با حضور آنان احساس مهم بودن پیدا می کردم. روزی که هیچ کودکی در آن انویس نخواهد مرا ببیند. روزی است که من باید از خدمت به کودکان کناره بگیرم. مهم بودن رابطه‌ی تنگاتنگی با توانایی فرد در تأیید خود دارد.

اصل دوم: ما باید کار و زندگی با یکدیگر را بیاموزیم.

ما در جای زندگی نمی کنیم. تمام افراد و اشیا به طریقی با هم ارتباط دارند. متأسفانه یا خوش بختانه، علایق و رفتار هر فرد همیشه دیگران را تحت تأثیر قرار می دهد. **دنیس پراگر** در کتاب ارزش مند خود «مانی یک مشکل جاست» نوشته است:

«کسانی که همیشه به دنبال حفظ شادی خود هستند، افرادی خودخواه و بدبخت‌اند. شاید همین امر باعث می شود که اولین ازواج‌های افراد در این کشور به طلاق بینجامد.»
گاهی از حضور دیگران و هم چنان نیز به دیگران برای ما اهمیت زیادی دارد. ضرورت این امر برای کودکان ما چشم گیرتر است. بسیاری از ایده‌ها و فعالیت‌های این کتاب بر کار گروهی (مانند گروه‌های یادگیری مبتلرکتی) حل مشکل در گروه، افزایش حساسیت در قبال دیگران و محیط تمرکز می کند.

اصل سوم: از زندگی لذت ببرید؛ آن را تحمل نکنید.

تا به حال شده است از کسی بپرسید: «حالت چطوره؟» و او در پاسخ بگوید: «فکر کنم از پیشش بریم». آیا دوست دارید او معلم بچه‌های شما باشد و به آن‌ها بیاموزد تنها «از پیشش بریایند؟» ما به دنیا نیامده‌ایم تا زندگی را تحمل کنیم بلکه به دنیا آمده‌ایم تا قدم‌های بزرگ برداریم. زندگی مبارزاتی نیست که نتیجه‌جان به پایان رساندن آن، هدف ما باشد. درست است که گاهی دشواری‌هایی دار اما این دلیل نمی شود که منیا را بر سختی و دشواری همیشه بگذاریم.

خودانگیزگی و لذت بردن از زندگی در یک کلمه خلاصه می شود: «سرگرمی». سرگرمی توانایی

خوش بودن ذاتی و در نتیجه خودانگیزگی است. با وجود این، مهمی ما با جوانانی برخورد داشته‌ایم که سال‌های سال هیچ سرگرمی نداشته‌اند. آن ها حتی هنگام مواجهه با سرگرمی آن را تشخیص نمی دهند. همسر **بامی**، هنوز تجربه‌ی برن بچه‌های کلاسیش به نمایش سوزا کاری را فراموش نکرده است. او می گوید درست وسط ماجرا، یکی از دانش آموزان از او پرسیده است: «پس کی خوش می گذره؟»

خودانگیزگی به قدری اهمیت دارد که در هنگامی که تحقیقاتی با نوجوانان انجام می دهیم، از یک کودک شش ساله پرسیم: «اوضاع کنونی؟» و تنها یک پاسخ برای این سؤال وجود دارد اما معمولی پاسخ‌دهی کودک به این سؤال برای من جالب است. اگر کودک با تعجب به من نگاه کند، طوری که انگار قلم را از دست داده‌ام یا شروع به خنده کند، طوری که انگار خنده‌ترترین حرف دنیا را شنیده است، من دل گرم می شوم. از طرف دیگر، اگر کودک بدون تغییر در رفتار یا حالت چهره سوالم را پاسخ دهد، نگران می شوم. خودانگیزگی را هم‌جا می توان دیدم در منازل، کلاس‌های درس، جشن‌های عروسی و حتی مراسم تدفین. گاهی اوقات از من می خواهند که تفاوت میان خودانگیزگی و پاسخ‌گویی آنی را توضیح دهم. ساده است: خودانگیزگی از درون فرد نشئت می گیرد صدمانی که به او می گویند: «این کار درستی است و اکنون بهترین زمان و شرایط برای انجام دادن آن است.» تقریباً همیشه، این گونه اعمال سازنده از روی محبت و سوموندی از طرف دیگر پاسخ‌گویی آنی، از نیاز و ایجاد دیدگاهی از چیزی، سرچشمه می گیرد. این افراد می اندیشند: «باید این کار را انجام بدهم وگرنه ناپود خواهیم شد.» اعمال آنی معمولاً مخربند و خسارت‌هایی به روابط وارد می کنند.

ریسک پذیری و خودانگیزگی مرتبط‌اند. توانایی خطرپذیری سالم و سازنده به شدت متکی بر خودانگیزگی و همچنین دیدگاهی مثبت از خود است.

من مثالی جالب از ارتباط بین خطرپذیری و خودانگیزگی را یک بار در مراسم فارغ‌التحصیلی یک گروه کوچک دبیرستانی دیدم. هنگام اهدای جوایز، فردی یک کلاه برنده شد. کلاهی بلند و خنده‌وار، از رفتارش مشخص بود که از جایزه‌اش شرمسار است، او به صندلی خود بازگشت، همه از او می خواستند تا کلاه را بر سر بگذارد اما او از این کار امتناع می کرد. هرچه بیشتر اصرار می کردند، او بیشتر امتناع می کرد.

بالاخره یکی از دوستانش کلا را برداشت و بر سر خودش گذاشت و تا پایان مراسم آن را بر سر نگه داشت. من بعد فهمیدم شخصی که کلاه را بر سر گذاشته، شاگرد اول، رهبری ذاتی و ورزشکاری بالاستعداد بوده است.

تصادفی نیست. در این کار ایده‌ها و فعالیت‌هایی وجود دارد که به شما کمک می کند تا خودانگیزگی و خطرپذیری را در افراد جوان بیورزید.

و توصیه‌ی آخر: از افراد منفی دوری کنید.

پی نوشت

1. James D. Sutton, Ed. D
Friendly Oaks Publications
2. If My Kid's SO Nice, Why's He Driving Me Crazy?
3. Children of Crisis, Violence, and Loss.
4. Windows
5. Stand and Deliver

تجربهای شیرین

پرورش روح در کنار توجه به جسم (گزارش) ۱۸ / نگار مجدفر
کتاب کار نقاشی (معرفی کتاب) ۱۹ / فاطمه قائمی
املائی تصویری ۲۰ / کبری شکری رفسنجانی
کندوی الفبا ۲۱ / زهرا رجایی راد
آسیه در همین نزدیکی! ۲۱ / فرزانه غاشبی پور
این جدول همه کاره است! ۲۲ / مینا محمدی
چند تجربه‌ی ساده ۲۳ / آفاق آیتی
سیب خوش مزه‌ی سپاس ۲۴ / سیده فاطمه جوادیون
حضور و غیاب با کارت ۲۴ / طیبه رستم پور
انشای معلم ۲۶ / ابوالقاسم محمد خلیلی پور رودی
آویزهای هندسی ۲۸ / فرزانه محی‌الدین
حرف گوش کن‌ها ۲۸ / زهره بانو ستوده
روز بدون کیف در خانه‌ی آموزگار ۲۹ / الهام نورائی
فقط به خاطر شما! ۲۹ / لیلا بزرگمهر
بازتاب رفتار ما! ۲۹ / ژانت نورالهی
این درس پژوهی نیست! ۳۰ / مهناز رضایی بروجنی
آقا اجازه! لاک پشت نمرده... ۳۰ / حسنعلی هادی زاده بجستانی
مرغ و جوجه‌هایش این جا چه می‌کنند؟ ۳۲ / فرزانه فرخی

پروژه‌ها

۸

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۱

مهر ۹۱



گزارشی از مراسم برگزار شده در دبستان دولتی فرهنگ و هنر

پرورش روح در کنار توجه به جسم

عکس و گزارش: نگار مجدفر

سپس دانش آموزان به همراه پدربزرگ و مادربزرگ‌هایشان حرکات کششی و نرمشی مختصری را انجام دادند و در ادامه، صبحانه خوردند. مراسم صرف صبحانه در محیطی صمیمی برگزار شد. مواد غذایی تشکیل دهنده این صبحانه‌ی سالم و مغذی عبارت بود از: شیر، نان و پنیر، خرما و چای.

در ادامه **آمنه صباغیان** مدیر مدرسه، به همراه معاون مدرسه، **فریده شیخ انصاری** به هر یک از مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها شاخه‌ای گل رز و یک تقدیرنامه اهدا کردند.

صباغیان در ارتباط با اجرای این مراسم گفت: «قصد ما از برگزاری این مراسم، برقراری تعامل بین بچه‌ها و سال‌مندان، در ارتباط با شعار بهداشتی سال مندی و سلامت روان بود. این سال‌مندان، پدربزرگ‌ها

سال‌هاست در بسیاری از مدارس ابتدایی کشورمان، به صورت گروهی و معمولاً با ابتکار آموزگاران در داخل کلاس‌های درس، برنامه‌های متنوعی برای ترویج فرهنگ صبحانه‌خوری ترتیب داده می‌شود. هدف عمده‌ی این برنامه‌ها، این است که دانش‌آموزان به خوردن صبحانه‌ای سالم و مقوی و اهمیت دادن به این وعده‌ی غذایی عادت کنند.

اما این بار، دبستان دولتی فرهنگ و هنر در منطقه‌ی شش تهران، ابتکار دیگری به خرج داد و به مناسبت برپایی مراسم روز سال‌مند و تقارن این روز با برنامه‌های هفته‌ی بهداشت و سلامت، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های دانش‌آموزان را برای صرف صبحانه در کنار نوه‌هایشان به مدرسه دعوت کرد. این برنامه‌ی آموزشی- تربیتی آن قدر ساده بود که شاید نتوان ابعاد گوناگون آن را به درستی به تصویر کشید.

مراسم با تجمع تدریجی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها آغاز شد. هر یک از آن‌ها که وارد مدرسه می‌شد نوه‌ها به سرعت به استقبالشان می‌رفتند. بعضی از بچه‌ها، فقط پدربزرگشان آمده بود و بعضی دیگر، تنها مادربزرگ؛ در موارد معدودی نیز هر دو در مدرسه حضور یافته بودند.

پس از گردهم آمدن پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و نوه‌ها، آقای **عزیزی**، یکی از پدربزرگ‌ها، درباره‌ی ورزش و سلامتی، در سخنرانی کوتاهی گفت: «ورزش بسیار مفید است. بافت‌ها، اندام‌ها و دستگاه‌های بدن را منظم و به شکل گرفتن فیزیک بدنی کودکان کمک می‌کند.»

وی افزود: «بهتر است در دوران ابتدایی، کودکان را با ورزش آشنا کنیم و آن را علاوه بر برنامه‌ی هفتگی، در برنامه‌ی ورزش آن‌ها هم بگنجانیم. در این صورت بچه‌ها با ورزش انس می‌گیرند و آن را رها نمی‌کنند.»

این پدربزرگ در ادامه خطاب به سال‌مندان افزود: «ورزش مستمر از پوکی استخوان جلوگیری می‌کند.»

حاشیه‌ها

● از نکاتی که در حاشیه‌ی برگزاری این مراسم به چشم می‌آمد، حسرتی بود که برخی دانش‌آموزان فاقد پدربزرگ و مادربزرگ از خود نشان می‌دادند. یکی از بچه‌ها هنگامی که می‌خواستیم از چهره‌ی زیبا ولی گریان او عکس بگیریم، گفت: «خانم! من نه پدربزرگ دارم، نه مادربزرگ! هر دو فوت کرده‌اند.»

به نظر می‌رسد بهتر بود چگونگی برخورد تحلیلی با این دانش‌آموزان در شورای تربیتی مدرسه بررسی می‌شد.

● به رغم فضای کوچک و امکانات کم مدرسه، معلوم بود که مدیر و کارکنان دبستان، به درستی معنی بهره‌برداری از فضا و امکانات را فهمیده‌اند. بهره‌وری، درست استفاده کردن از امکانات در مسیر تحقق هدف‌های سازمانی است.

● احتمالاً به بچه‌ها گفته بودند، قرار است کسی در مقام خبرنگار از برنامه‌ی صبحانه‌خوری نوه‌ها و بزرگ‌ترها گزارش تهیه کند. بسیاری از آن‌ها می‌گفتند: «خانم، شما که عکس می‌گیرید؛ پس میکروفونتان کجاست؟»

و مادربزرگ‌های بچه‌ها هستند. علاوه بر این، ما به بچه‌ها آموزش دادیم که در زندگی خود، چه فعالیت‌هایی برای حفظ سلامتی‌شان

کتاب کار نقاشی

فاطمه قائمی

«کتاب کار نقاشی» شامل ۴۰ تمرین برای پرورش خلاقیت کودکان گروه‌های سنی الف و ب است.

هدف‌های آموزشی هر یک از نقاشی‌ها در پایین هر صفحه به دوزبان فارسی و انگلیسی آمده است. بچه‌ها در این کتاب راهنمایی می‌شوند تا با بهره‌گیری از خلاقیت خود، شکل‌های هندسی، ابزار و آلات و نیز برداشت‌هایشان از موضوع‌ها و مفاهیم متنوع را نقاشی کنند. برای مقایسه‌ی پیشرفت کار و امکان مراجعات بعدی برای مربیان و پدران و مادران، در بالای هر صفحه موضوع نقاشی و تاریخ ذکر شده است که توسط کودک یا مربی (پدر و مادر) تکمیل می‌شود. یک رو بودن نقاشی‌ها هم به سالم و صاف ماندن تصاویر کمک می‌کنند. به این ترتیب می‌توان در نمایشگاه‌های مدرسه‌ای و یا در پوشه‌ی کار دانش‌آموزان آن‌ها را به صورت مستقل نشان داد.

این کتاب را انتشارات منادی تربیت (۸۸۸۹۴۲۹۲-۰۲۱ و ۴۴۶۵۰۷۳۸-۰۲۱) در ۹۰ صفحه و با قطع رحلی بزرگ و به قیمت ۴۲۰۰۰ ریال منتشر کرده است.

پدیدآورنده‌ی کتاب **مریم رضانیا**، آموزگار دبستان پسرانه‌ی رشاد در منطقه‌ی پنج تهران است. کتاب کار نقاشی، تاکنون سه بار تجدید چاپ شده است.



دهم مهرماه، روز بزرگداشت سالمندان است. این مراسم را می‌توان در همین ایام هم برگزار کرد.

انجام دهند. هم‌چنین، به بچه‌ها گفته بودیم تا در این زمینه بنویسند و نقاشی بکشند به پیشنهاد یکی از همکاران، از بزرگ‌ترهای آنان هم دعوت کردیم تا به مدرسه بیایند. البته بسیاری از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در شهرهای دیگر هستند. به این ترتیب فرصتی به‌دست می‌آید تا با پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و نوه‌های خود تعامل داشته باشند از تجربیاتشان بگویند و از این راه، بچه‌ها به آرامش برسند.» پس از اتمام صبحانه، دانش‌آموزان در حیاط مدرسه صف بستند و کلاه‌های دست‌ساز خود را که شعارهای مربوط به سلامتی روی آن‌ها به چشم می‌خورد، بر سر گذاشتند.

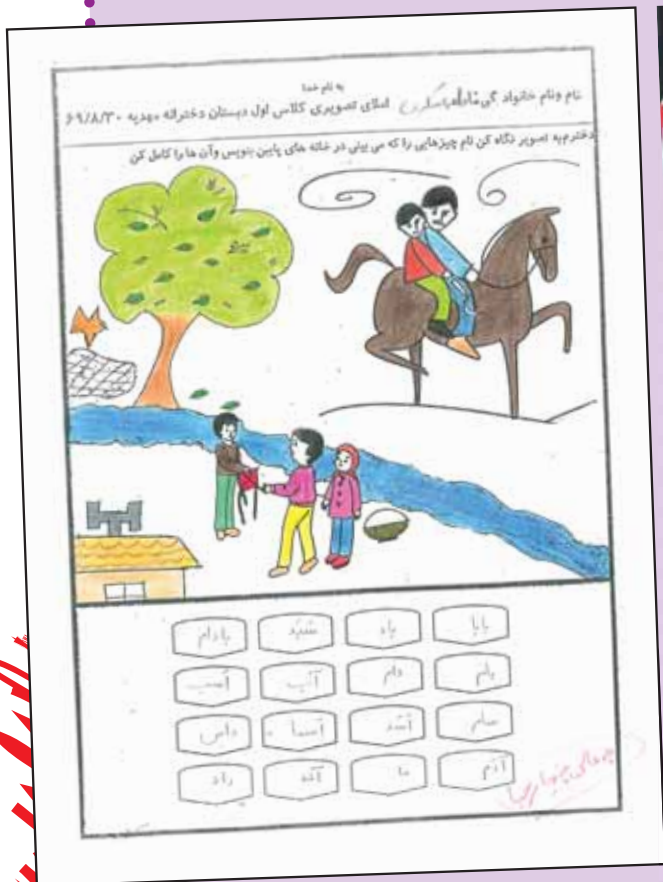
این کار برای مدرسه
خرج زیادی داشت،
اما واقعا عالی بود



چه عالی چه زیبا و پرکار

املاي تصويري

یکی از روش‌های من برای املا گفتن املاي تصويري (نقاشی) است. دانش‌آموزان کلاس اول به نقاشی و رنگ کردن علاقه‌ی بسیار دارند. به این صورت تصویری را که با محتوای درس آموزشی ارتباط دارد، آماده می‌کنم و آن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم. از آن‌ها می‌خواهم نام تصاویری را که در تصویر می‌بینند، در خانه‌های پایین هر تصویر بنویسند یا برای تصویر چند جمله‌ی کوتاه بنویسند. سپس تصویر را رنگ کنند. دانش‌آموزان براساس یادگیری و فعالیت‌های کلاسی، این املا را با علاقه و احساس آرامش و اعتماد به نفس، همراه با لذت انجام می‌دهند. این کار هر نوع اضطراب و نگرش منفی را در دانش‌آموزان از بین می‌برد. در این املا معلم نقش کمی دارد، ولی دانش‌آموز محور اصلی فعالیت است.



کندوی الفبا

زهرا رجایی‌راد

آموزگار پایه‌ی اول، منطقه‌ی ششم سبزوار

از آن‌جا که جدول‌های الفبا از اول سال تا آخر سال جلوی چشم دانش‌آموزان است و جدول‌های الفبای گذشته، شکل و



رنگ‌های شاد ندارد، تصمیم گرفتیم با طراحی یک جدول الفبا برای دانش‌آموزان تنوع ایجاد کنیم. این جدول روی صفحه‌های دیوار کوب قابل چاپ شدن است. برچسب‌های الفبا هم روی آن چسبانده می‌شود و به همین دلیل حتی سال‌های بعد هم می‌توان از آن استفاده کرد.

حروف الفبا در هر خانه‌ی کندو جا می‌گیرد و شش زنبور جلوی کندو نیز نشان‌دهنده‌ی صداها هستند. هر حرف برای وارد شدن به کندو، باید از جلوی زنبورهای نگهبان عبور کند و با آن‌ها ترکیب شود (آشنایی با جدول دوستی).

خورشید کنار جدول هم نشان‌دهنده‌ی «او» است.

با چسباندن هر حرف در خانه‌های کندو می‌گوییم: «بچه‌ها، حروف الفبای فارسی مانند عسل شیرین است. همان‌طور که با چسباندن این حرف‌ها کندوی ما پر از عسل می‌شود، با یادگیری هر حرف از الفبا، دانایی ما هم روز به روز زیادتر می‌گردد».

با طراحی این جدول شوق بچه‌ها را در کلاس، بیشتر احساس کردم و یادگیری حروف الفبا را برای آنان لذت‌بخش‌تر ساختم.

آسیه، در همین نزدیکی!

فرزانه غاشبی‌پور

آموزگار دبستان خدیجه کبری (س)، ماه‌شهر

لبخندهای کلاسی

در زنگ «هدیه‌های آسمان» از یکی از شاگردانم پرسیدم: «آسیه که بود؟» و او جواب داد: «خانم اجازه آسیه دختر همسایه‌مونه. کلاس اول راهنماییه، دختر خوبی، خوب درس می‌خونه...» او همین‌طور تند و تند داشت درباره‌ی آسیه اطلاعات می‌داد و من که مانده بودم آسیه، دختر همسایه‌ی شاگردم که در همین نزدیکی‌هاست کجا و آسیه همسر خداپرست فرعون کجا، نتوانستم خودم را کنترل کنم و با گذاشتن سرم روی میز، ناگهان با صدای بلند خندیدم.



تصویرگر: فریبا بندی

این جدول همه کاره است!

تجربه‌ای اثربخش برای تدریس کتاب جدید التالیف ریاضیات پایه اول ابتدایی

می‌نا محمدی

آموزگار دبستان شاهد، شهرکرد

یکی از استفاده‌های دیگری که از این جدول کردم، ساخت جدول شگفت‌انگیز بود. با استفاده از همان روبان‌های رنگی، جدول‌هایی در ابعاد 4×4 ، 6×6 ، 9×9 سانتی‌متر درست می‌کردم و با کمک کارت‌های عددی دانش‌آموزان، اعداد را در جدول می‌چیدم و آن‌ها جاهای خالی را پر می‌کردند. بچه‌ها با استفاده از کارت‌هایی که داشتند، حتی در زنگ‌های استراحت به صورت بازی به سراغ جدول می‌رفتند. این کار علاوه بر این که نوعی سرگرمی بود، به راحتی الگوها و قرینه را به آن‌ها آموخت. علاوه بر آن چه گفته شد، چسباندن جدول یکی، ده‌تایی روی نیمکت دانش‌آموزان با استفاده از چسب نواری و تهیه کارت‌های عددی و آویزان کردن اعداد صفر تا ۹۹ روی طنابی در کلاس، فرصت‌هایی برای آموزش کودکان فراهم کرد. آن‌ها برای شمارش معکوس به سراغ این اعداد می‌رفتند و با آن‌ها تمرین می‌کردند. به‌رحال تغییرات ایجاد شده در کتاب ریاضی علاوه بر این که راه تفکر را برای کودکان باز کرد، ما را نیز به فعالیت واداشت. امیدوارم با رفع نقایص و معایب کتاب که گاه مشکلات زیادی در آموزش ایجاد می‌کند، این درس برای کودکان و معلمان شیرین‌تر و جذاب‌تر شود.

سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ گذشت و ما با کتاب «ریاضی» کنار آمدیم. بعضی از درس‌ها را با حلاوت به کودکان چشاندیم و بعضی از درس‌ها را نیز به جوشانده‌های شیرین تبدیل کردیم تا تلخی آموزش بگذرد و ره‌آورد‌های شیرین یادگیری خستگی را از تن آن‌ها بیرون آورد. یکی از خوبی‌هایی که درس ریاضی برای من داشت، تحول در کلاس درس بود. مشکلات موجود در کلاس مرا بر آن داشت که در ظاهر کلاس تغییراتی ایجاد کنم.

در اوایل سال با دفترهای شطرنجی به آموزش الگوها و قرینه پرداختم. بعد از مدتی تصمیم گرفتم یک کادر شطرنجی در وسط کلاس روی زمین ترسیم کنم. در این ارتباط با مدیر مدرسه گفت‌وگو کردم و او از این نظر استقبال کرد. پس از یک نقاش دعوت کردیم تا به مدرسه بیاید و یک جدول شطرنجی روی موزائیک‌ها و یک محور اعداد در طول کلاس رسم کند.

بعد از آن، جلسه‌ای با اولیای دانش‌آموزان برگزار کردم و از آن‌ها خواستم که کارت‌های مقوایی در رنگ‌های گوناگون و در ابعاد جدول کلاس (15×15 سانتی‌متر) و نیز کارت‌های عددی از صفر تا نه با همین ابعاد روی مقوا رسم کنند. خیلی از آن‌ها کارت‌ها را پرس کرده و البته بعضی هم برای استحکام بیشتر،

کارت‌های اعداد را با فیبر تهیه کرده بودند.

از آن روز به بعد کار برایم بسیار راحت‌تر شد. اسم این جدول را «جدول همه‌کاره» گذاشتیم؛ چرا که از آن استفاده‌های متفاوتی می‌کردیم. هرگاه درس، الگویابی بود، بچه‌ها از چینش کارت‌های رنگی و ایجاد الگوها لذت می‌بردند. برای رسم قرینه با چسباندن یک روبان رنگی گاه در طول و گاه در عرض جدول، یک خط تقارن ایجاد می‌کردم و در یک طرف خط تقارن که توسط روبانی ایجاد شده بود، با استفاده از همان کارت‌های رنگی شکل‌های متنوعی روی جدول ایجاد می‌کردم. کودکان نیز به سرعت در آن طرف خط، قرینه‌ی شکل را می‌ساختند.



چند تجربه‌ی ساده

آفاق آیتی

مدیر دبستان شیعی منفرد، مشهد

اشاره

خانم آیتی پس از سال‌ها مدیریت در آموزش و پرورش تربت حیدریه، دو سال پیش به مشهد منتقل شد و پس از یک سال آموزگاری، دوباره به مدیریت گمارده شد. وی تابستان سال ۱۳۸۸ به‌عنوان یکی از مخاطبان فعال مجلات رشد انتخاب شد و در همایش سالانه‌ی مسئولان این مجلات، در تنکابن حضور یافت. خانم آیتی پس از وقفه‌ای دو ساله که احتمالاً به خاطر سختی تطابق وی با محیط جدید بوده، دوباره با ارسال تجربه‌های خود، با مجلات رشد ارتباط برقرار کرده است. چند تجربه‌ی ساده‌ی او در سال‌های تدریس را در پی می‌آوریم.



مدیری که معلم شد

روزی که برای اولین بار بعد از سال‌ها مدیریت برای تدریس به کلاس رفتیم، پس از معرفی خود و آشنایی با دانش‌آموزان، خواستم مطلبی پای تخته بنویسم. باتوجه به تجربه‌ی معلمی‌ام، دنبال گچ بودم. اطراف را نگاه کردم و آرام گفتم گچ نیست. دانش‌آموزی شنید و گفت: «خانم ماژیک بدهم!» و تازه فهمیدم که... .



آشنایی با کارکرد دروس

دانش‌آموزی داشتیم که باوجود این که درسش خوب بود، در املا ضعف داشت و هیچ تلاشی نیز برای بهبود این درس نمی‌کرد. روزی آمد و گفت: «خانم! حالا می‌فهمم که املا به چه دردی می‌خورد. نامه‌ای به دستم رسید که در آن اسمم را اشتباه نوشته بودند. خوب نیست فرد کلمات را غلط بنویسد.» از آن روز تلاش بیشتری به خرج داد تا این که املاش بهبود یافت. من نیز متوجه شدم که اگر دانش‌آموز به کارکرد دروس پی ببرد، سعی خواهد کرد بهتر بیاموزد.

کیف بهداشتی - انضباطی

برای نهادینه کردن نظم در دانش‌آموزان و تشویق آنها به انجام دادن به موقع تکالیف، کیفی به نام «بهداشتی - انضباطی» درست کردیم و روی دیوار کلاس قرار دادیم. کارتهایی به رنگ زرد (نماد تخلف) و سبز (نماد جبران تخلف) نیز تهیه کردیم. چنانچه دانش‌آموزی کار اشتباهی انجام می‌داد، اسمش روی کارت زرد نوشته و داخل کیف انداخته می‌شد. اگر دانش‌آموز درصد جبران عمل اشتباه خود برمی‌آمد، مثلاً به دوستانش کمک می‌کرد یا تکلیف‌هایش را انجام می‌داد، کارت سبز داخل کیف می‌انداختیم. از این طریق واحد کار «طرح کرامت» را نیز آموزش دادیم که طبق گفته‌ی قرآن کریم، هر کار خوب، کار بد را از بین می‌برد.



شهر دوزنقه‌ای

دانش‌آموزان در پایه‌ی چهارم، با دوزنقه آشنا می‌شوند. برای این که در رسم این شکل و انواع آن دچار مشکل نشوند، برای پوشه‌ی کار، تکلیف شهر دوزنقه‌ای دادیم؛ به این صورت که پس از آموزش این شکل هر کس هر طور مایل است، از طبیعت، شهر و خانه‌ی خود نقاشی بکشد و در آن فقط از دوزنقه استفاده کند. آن‌ها نیز بسیار خلاقانه و جالب نقاشی کشیدند.





سیب خوش مزه‌ی سپاس

سیده فاطمه جوادپور

مربی تربیتی دبستان شاهد شهید بهشتی، منطقه‌ی ۱۳ تهران

را در قالب چند خط روی سیب‌ها بنویسند و روی درخت نصب کنند. به نظرت این سیب‌های خوش مزه‌ترین سیب‌ها نیستند؟ سیب‌های سپاس دانش‌آموزان از معلمشان؟ می‌توانیم به جای درخت، روی تابلوی اعلانات

یا در راهروی مدرسه یک درخت مصنوعی یا خشکیده در دسترس دانش‌آموزان قرار دهیم و بالای سیب‌ها حلقه‌هایی

همکارانت تو را تشویق کنند؟ چه قدر نگاهی تشویق‌آمیز، لبخندی محبت‌آمیز و یک دست خط قدردانی روی من و تو تأثیر می‌گذارد؟ گویی با نیرویی دو چندان می‌توانی طی طریق کنی!

حالا بیا به سیب خوش مزه‌ی سپاس در مدرسه‌ی ما نگاهی کن. درختی روی صفحه‌ی اعلانات مدرسه نصب شده است. سیب‌هایی مقوایی زیر آن قرار بده. اجازه بده از چند روز قبل دانش‌آموزان قدرانی‌های خود

چندی پیش در بیمارستانی شاهد تابلویی بودم که بیماران بستری روی آن تشکرات خود را می‌نوشتند و برای کارکنان بیمارستان بر جای می‌گذاشتند. به نظرم آمد که این تابلوی تشویقی زیبایی برای قدردانی از دکترهاست.

فکر کردم آمیزاد است و «به‌به» و «چه‌چه»‌ها. پس به خودت نگاه کن! هر بار که کاری را در مدرسه انجام می‌دهی، آیا دلت نمی‌خواهد که مسئول مدرسه یا بقیه‌ی



حضور و غیاب با کارت

طیبه رستم‌پور

آموزگار دبستان مقداد، شهرریز شهرستان جم بوشهر

موظفانند هنگام ورود به کلاس، کارت را سر جای خود قرار دهند. به این ترتیب من به سرعت متوجه می‌شوم کدام‌یک از آن‌ها هنوز به کلاس نیامده است. آن‌ها هم چنین باید در

شکل گل درست کرده و در میان هر کدام عکس یکی از دانش‌آموزان را چسبانده‌ام. اسم آن‌ها را هم در پایین کارت نوشته‌ام. همه‌ی دانش‌آموزان در ساعت اول

چند طلق رنگی را به صورت جیب، روی یونولیت چسبانده‌ام و در آن برای هر دانش‌آموز جای خاصی در نظر گرفته‌ام. هم چنین کارت‌های رنگی متفاوتی را به



رنگارنگ دانش آموزان؛
 ● تقویت ذوق و سلیقه‌ی دانش آموزان با رنگ آمیزی سیب‌ها؛
 ● تقویت قدرت نوشتاری دانش آموزان و توانایی آن‌ها برای تفهیم مطالب در قالب جملاتی کوتاه.
 امیدوارم سیب‌هایی سپاس شما هم جزو خوش مزه‌ترین سیب‌های دنیا باشد.

کلاس یا معلم باید نوشته شود.
 با انجام دادن این کار می‌توان هدف‌های گوناگونی را تحقق بخشید، از جمله:
 ● تشویق همکاران شاغل در مدرسه؛
 ● مشخص شدن انتظارات دانش آموزان از معلمان در قالب کلامی محبت آمیز؛
 ● ایجاد این حس مهم در دانش آموزان که معلمان به نظرانشان توجه می‌کنند؛
 ● شاداب سازی محیط با سیب‌های

نصب کنیم که بچه‌ها به راحتی بتوانند آن‌ها را روی شاخه‌های درخت بیاویزند.
 از قبل توضیح بدهیم که روی سیب‌ها قدردانی خود را از معلم‌هایشان و بابت کار مشخصی بنویسند. مثلاً:
 - از تو سپاس گزارم برای آن روز که در کلاس، کار اشتباهی را انجام دادم و تو با آن که فهمیدی به روی خود نیاوردی؛
 - از تو سپاس گزارم به خاطر نگاه مساوی‌ات در کلاس؛
 - از تو سپاس گزارم که آن روز با آن که مریض بودی، در کلاس حاضر شدی و مرا دل‌داری دادی،
 - از تو سپاس گزارم به خاطر راهنمایی‌ات در حل مشکل من با مادرم و...

● در ضمن دانش آموزان در نوشتن نام و نام خانوادگی خود روی سیب مختارند ولی نام

توضیح دفتر مجله: این که دانش آموزان صرفاً به ابزار تشکر بپردازند، در مجموع ایده‌ی جالب توجهی است، ولی باید مواظبت کرد به ترویج فرهنگ چاپلوسی و تملق در مدرسه دامن نزنند. هم‌چنین این کار می‌تواند در درس خاص مثل ادبیات فارسی به اجرا درآید تا یادگیری در آن درس هم جلوه و سهمی داشته باشد. هم‌چنین معلم خوب، توقع احترام از دانش آموزان را ندارد بلکه رفتارشان به گونه‌ای است که احترام آن‌ها را برمی‌انگیزد. پس بهتر است در کنار سپاس‌گزاری، روشی مشابه برای انتقاد، طرح دیدگاه‌ها و شکایت از معلم هم به اجرا درآید.

پایان روز، کارت‌های خودشان را بردارند و با خود ببرند. بچه‌ها از این حضور و غیاب کاردتی، خیلی خوششان می‌آید. البته، بعد از گذشت یکی دو ماه و پس از آن که من با بچه‌ها آشنا شدم و نیز پس از آن که به تدریج این کارت‌ها، جذابیت اولیه‌ی خود را از دست دادند، از حضور و غیاب کاردتی دست می‌کشم و برای توسعه‌ی روابط انسانی در کلاس درس، آن‌ها را با نام و نام خانوادگی‌شان خطاب می‌کنم.



ابوالقاسم محمد خلیلی پور رودی

آموزگار دبستان عمار، شهرستان خواف

که دوباره انشایم را برای آن‌ها بخوانم. در سال تحصیلی بعد هم با تغییر نام دانش‌آموز، از متن انشا در کلاس استفاده کردم. می‌دانیم که «قصه و داستان» برای کودکان، جاذبه دارد و خیال‌بافی و تخیل برای آن‌ها لذت‌بخش است. علاوه بر این، کودکان از این‌که خود و دوستانشان را در جای شخصیت‌های داستان ببینند، لذت زیادی می‌برند. بیاییم از علایق دانش‌آموزان برای جذاب‌سازی کلاس انشا استفاده کنیم. (متن انشای مرا در ادامه مطالعه می‌کنید).

«روز شنبه سوم دی‌ماه سال ۱۴۸۴ روزی به‌یادماندنی و جالب بود! قرار بود آن روز با آموزگارمان برای گردش علمی به کره‌ی ماه برویم. صبح زود، بعد از آن‌که همه‌ی دوستانمان آمدند، یکی‌یکی سوار اتوبوس



انشای معلم

انشا نوشتن، در نظر بسیاری از دانش‌آموزان، کاری دشوار است. بعضی از فراگیرندگان در نوشتن انشا با خلأ فکری روبه‌رو هستند؛ یعنی اطلاعات چندانی درباره‌ی موضوع ندارند. برخی هم با وجود داشتن اطلاعات کافی، نمی‌توانند آن‌چه را می‌گویند، به صورت مکتوب درآورند. خیلی از دانش‌آموزان نمی‌دانند از کجا و چگونه مطلب خود را شروع کنند و بعضی‌ها نوشتن بلدند اما به بیراهه می‌روند و مطالب نامربوط و تکراری می‌نویسند.

از آن‌جا که فراگیرندگان در نوشتن، نیاز به «الگو» دارند، معلم می‌تواند در انشانویسی با شاگردانش همراهی کند و انگیزه‌های قوی و الگویی برای نوشتن در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد. به این ترتیب، بچه‌ها احساس تنهایی نمی‌کنند بلکه می‌بینند معلمشان هم مانند آن‌ها انشا می‌نویسد. هم‌چنین متوجه می‌شوند که آموزگارشان به درس انشا علاقه‌مند است. در نتیجه انگیزه‌ی آن‌ها هم نسبت به این درس، افزایش می‌یابد و کلاس انشا جذاب و هیجان‌انگیز می‌شود. علاوه بر این، مشکل خلأ فکری دانش‌آموزان رفع می‌شود و آن‌ها اطلاعات مناسبی از این راه به‌دست می‌آورند.

سال‌ها پیش (۱۳۸۴) در پایه‌ی سوم به دانش‌آموزان انشایی با موضوع «سفری به فضا» داده شده بود (فارسی «بنویسیم» سوم دبستان، درس ۱۱)، انشایی تخیلی که در پرورش قوه‌ی تخیل و تفکر دانش‌آموزان مفید و برای فراگیرندگان جذاب، ولی دشوار بود. تصمیم گرفتم من هم دست به قلم برده و به عنوان یک دانش‌آموز (!) انشایی بنویسم. خودم را جای امیر - یکی از دانش‌آموزان - گذاشتم و از زبان وی خاطره‌ی سفر به کره‌ی ماه به همراه آموزگار و هم‌کلاسی‌ها را نوشتم. این سفر یا «گردش علمی» در صد سال بعد یعنی سال ۱۴۸۴ اتفاق افتاده بود و در انشا، به پیشرفت علم و فناوری در آن زمان اشاره می‌شد. در متن انشا، نام یک‌ایک دانش‌آموزان را آوردم و درباره‌ی هر یک، به گفتار، رفتار یا مسئولیتی که با روحیات وی سازگار بود، اشاره کردم. الگودهی در نوشتن، جذاب‌سازی کلاس انشا، پرورش نیروی تخیل و تکریم شخصیت فراگیرندگان از هدف‌های این کار بود. وقتی انشا را در کلاس خواندم، از طرف دانش‌آموزان تشویق شدم و کلاس از شادی و نشاط لبریز شد. حتی بعضی از دانش‌آموزان روزهای بعد اصرار کردند



برقی شدیم و از پنجره‌ی اتوبوس برای مدیر خوبمان، آقای فهیمی، دست تکان دادیم. آموزگار ما، آقای خلیلی پور هم سوار شد و روی صندلی جلوی اتوبوس نشست. سپس از طریق میکروفون و صفحه‌ی نمایش جلوی اتوبوس به مرکز خبر داد که ما آماده‌ی حرکتیم. در این هنگام اتوبوس به راه افتاد. معلم مهربانمان برای ما از زمان‌های قدیم تعریف کرد. از حدود صد سال پیش که خودروها با سوخت‌هایی مثل بنزین و گازوئیل حرکت می‌کردند؛ اما آن روز ما در اتوبوسی نشسته بودیم که با نیروی برق حرکت می‌کرد و حتی راننده نداشت بلکه مرکز کنترل از راه دور، آن را هدایت می‌کرد. برایم جالب بود که سال‌ها پیش خودروها چقدر هوا را آلوده می‌کرده‌اند! فکر کردم اگر امروز هم قرار بود سوار آن ماشین‌ها شویم، کره‌ی زمین دیگر جای زندگی کردن نبود! حالا همه‌جا از انرژی برق و نور خورشید که هوا را آلوده نمی‌کنند، استفاده می‌شود.

در همین فکرها بودم که ناگهان حس کردم کسی لباسم را می‌کشد.

زمان‌های قدیم آرزوی پرواز داشته است و امروزه به خاطر پیشرفت‌های علمی، ما می‌توانیم به راحتی به کره‌ی ماه پرواز کنیم. بعد به کمک مسئول آن‌جا، یکی یکی لباس مخصوص فضا را پوشیدیم و به همراه آموزگار و راننده‌ی سفینه، سوار سفینه‌ی فضایی شدیم.

موقعی که سفینه حرکت کرد، خیلی هیجان‌انگیز بود! این را هم بگویم که همه، کمربندهایمان را بسته بودیم اما موقع حرکت، بعضی از دخترها چیغ می‌کشیدند! زهرا به آن‌ها گفت: «شما خیلی ترسو هستید، ولی من اصلاً نمی‌ترسم.» آموزگارمان از آن‌ها خواست که خون سردی خود را حفظ کنند. در این هنگام محمد، نماینده‌ی کلاس، از اتاق دیگر برایمان کیک آورد و همه مشغول خوردن شدیم. روح‌الله هم پلاستیک‌های خوراکی‌ها را جمع می‌کرد. زینب گفت می‌خواهد از کره‌ی ماه برای برادرش محمد، الماس پیدا کند و سمیرا آرزو داشت برای برادرش، مروارید سوغاتی بیاورد. اسفندیار و حمیدرضا هم قرار گذاشتند با هم مسابقه‌ی دو بدهند و اسماعیل داوری کند!

بعد از ۲ ساعت بالاخره به کره‌ی ماه رسیدیم. با خوش حالی از سفینه پیاده شدیم. آموزگارمان از ما خواست که گردش کوتاهی در آن اطراف بکنیم و بعد به نزدیک سفینه برگردیم. من و آموزگار مشغول صحبت بودیم که صدای امین را شنیدیم. او آموزگار را صدا می‌زد. فوراً به همراه معلممان به آن‌جا رفتیم. بچه‌ها دور حفره‌ی بزرگ که مثل تپه بالا آمده بود، جمع شده بودند. صدای کسی از داخل حفره می‌آمد که کمک می‌خواست. اسماء گفت: «شاید یک موجود فضایی باشد!» همه ترسیده بودیم. آموزگار بالا رفت و از آن بالا خوب نگاه کرد؛ شهاب داخل حفره افتاده بود. آموزگار دستش را گرفت و او را بالا کشید. شهاب گفت: «من می‌خواستم داخل حفره را نگاه کنم اما پایم سُر خورد و افتادم داخل حفره. می‌ترسیدم هیچ کس به دادم نرسد.» آموزگار گفت: «اگر هیچ کس ما را نبیند، خدای دانا و مهربان ما را می‌بیند و حتماً به ما کمک می‌کند اما تو هم حرف‌های مرا فراموش کردی و بازگوشی کردی!» شهاب عذرخواهی کرد. آموزگارمان درباره‌ی حفره‌های ماه صحبت کرد و گفت: «این حفره‌ها را شهاب به وجود آورده است.» شهاب که فکر کرد آموزگار از او صحبت می‌کند، گفت: «اما این گودال از اول، این جوری بود!» همه‌ی ما از شنیدن این حرف خندیدیم.

آموزگارمان از هر گروه خواست کاری انجام بدهد. کار گروه فردوسی این بود که با دوربین عکاسی از حفره‌های ماه عکس بگیرند، اما دوربین از دست زینب رها شده و بالا رفت! پردیس هم با او دعوا می‌کرد که چرا دوربین را محکم نگرفته است! هانیه و هر دو مریم هم هر کاری کردند، نتوانستند دوربین را بگیرند. آموزگار با دیدن این منظره به آن‌ها گفت: «چند نفر به یک دوربین؟» همگی خندیدیم. آن‌گاه آموزگارمان نزد آن‌ها رفت؛ دوربین را گرفت و به آن‌ها داد. در راه برگشت آموزگار به ما گفت: «فراموش نکنید! حتماً گزارش مربوط به سفرمان را در دفتر انشایتان بنویسید و با خود به کلاس بیاورید.»

به طرفش نگاه کردم؛ دوستم حسین بود. گفتم: «امیر، مگر نمی‌خواهی کره‌ی ماه را ببینی؟ نکند خوابت برده است!» متوجه شدم که همه پیاده شده‌اند. با هم نزد بقیه‌ی بچه‌ها رفتیم. در ایستگاه فضایی معلممان یادآوری کرد که بشر از



آویزهای هندسی

فرزانه محی‌الدین

آموزگار دبستان شاهد حضرت رقیه (س)، ماه‌شهر

با اطلاع از نظر کارشناسانی آموزشی که معتقدند همه جای کلاس برای معلم فضای آموزشی است، تصمیم گرفتم از سقف کلاس هم برای فعالیت‌های خود استفاده کنم. به بچه‌ها گفتم که پس از آشنایی با هر درس و شکل‌های هندسی مربوط به آن، در کارگاه کلاسی پس از رسم شکل‌ها، با روش‌های آموزشی گفته شده، بهترین کارها را انتخاب می‌کنیم و به عنوان «چراغ آویز» به سقف کلاس آویزان می‌کنیم. به این ترتیب آویزهای ما لوسترهای هندسی هستند که زیبایی خاصی به کلاس می‌بخشند و علاوه بر آن هر کس که وارد کلاس شود، می‌تواند با نگاه کرد به سقف کلاس متوجه شود که ما تا کدام مبحث هندسی پیش رفته‌ایم؟

چراغ‌های آویز به عنوان یک یادسپار عمل کرده و دانش‌آموزان با نگاه کردن به آنها، ویژگی‌هایشان را در ذهن مرور می‌کنند و به شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها می‌اندیشند. علاوه بر این، به آنان نشان داده‌ایم که هر جا می‌تواند مکانی برای یادگیری باشد.



حرف‌گوش کن‌ها!

بخندهای کلاسی

زهره بانو ستوده

آموزگار دبستان مانده، ماه‌شهر خوزستان

سال‌ها پیش، بدون داشتن تجربه‌ی کاری در پایه‌ی اول تدریس می‌کردم. یک روز که هیچ‌کدام از بچه‌ها به حرف‌هایم توجه نمی‌کردند، با لحنی تند گفتم: «هر کس نمی‌خواهد درس را گوش بدهد، از کلاس بیرون برود.» ناگهان دیدم که همه‌ی بچه‌های پایه‌ی اول با کمال خون‌سردی به بیرون کلاس رفتند و تنها خودم ماندم. لحظاتی بعد که از صمیمیت بچه‌ها و کم‌تجربگی خودم خنده‌ام گرفته بود، من هم به حیاط رفتم و با آن‌ها بازی کردم و دوباره به کلاس برگشتم.



روز بدون کیف در خانه‌ی آموزگار



الهام نورائی

آموزگار پایه‌ی چهارم دبستان فردوس، خمینی شهر
در آن روز خانه‌ی کوچک من با وجود
این نوگلان شادی بسیاری داشت.
توصیه‌ی کارشناسی مجله: در برگزاری
چنین برنامه‌هایی، اعلام موضوع به مدیریت
مدرسه و اخذ تمامی مجوزهای قانونی از جمله
مجوز برپایی اردو در محیط خارج از آموزشگاه
و دریافت رضایت‌نامه از اولیا از ضروریات
است.

است.
برای روز بدون کیف در خانه‌ی آموزگار،
چند بازی فکری تهیه کردم و پس از پذیرایی
از آن‌ها، یک ساعتی را به انواع بازی‌های
فکری پرداختیم. زمانی دیگر برای آن‌ها
سی‌دی آموزشی جالبی را پخش کردم و
ساعتی را نیز به خواندن مجله‌ی «رشد» آن
ماه اختصاص دادم.

سال گذشته به دانش‌آموزانم قول دادم
بعد از امتحانات نوبت اول، آن‌ها را به یک
اردوی مناسب و خوب ببرم. بچه‌ها بسیار
کنجکاو بودند تا بدانند چه اردویی برای آن‌ها
در نظر گرفته‌ام.
بعد از آخرین امتحان گفتم: «اردوی
ما، یک روز بدون کیف در خانه‌ی من است.»
شادی بچه‌ها در آن لحظه توصیف‌ناشدنی

فقط به خاطر شما!

لیلا بزرگ‌مهر



تصویرگر: لاله ضیایی

معاون آموزشی دبستان پنجم آذر، رامشیر خوزستان
یکی از دانش‌آموزان در روز معلم برایم
هدیه‌ای آورده بود که به نظر می‌رسید یک
جعبه لیوان شش تایی باشد. وقتی او هدیه‌اش
را به من داد، گفتم: «اجازه خانم! لیوان‌ها سه
تا هستند. مامانم گفت سه تا برای شما و سه
تای دیگر برای خانم فلانی، اما چون من شما

را بیشتر دوست دارم، لیوان‌های شما را در
جعبه‌اش به شما هدیه می‌دهم!»
وقتی هدیه‌اش را می‌گرفتم، با خود
فکر می‌کردم چه قدر نگاه بچه‌ها به دوست
داشتن بزرگ‌ترها از جمله معلم‌شان، خاص و
استثنایی است.

بازتاب رفتار ما!

داستانک

ژانت نورالهی

آموزگار دبستان مهندس منصورنفر، منطقه‌ی چهار تهران

می‌خوام» و با صدای بوق ماشین‌ها قاطی
شده بود.
بعد از چهارراه پیاده شدم. به پشت پسرک
زدم و گفتم: «فالی چند؟»
دست‌های سیاهش را بالا گرفت و با
وحشت گفت: «خانم اجازه! ببخشید.»

با عصبانیت کتاب ریاضی را به سرش کوبیدم.
پشت چراغ قرمز کلافه شدم: «صد و
بیست، صد و نوزده، صد و هجده، ...»
دست‌هایی به شیشه‌ی ماشین کوبیده
شد: «یک فال گردو می‌خرین؟»
قبل از این که جوابش را بدهم، رفته
بود. تکرار صدای دخترم که می‌گفت: «گردو

- صد و بیست منهای صد و هجده چند
می‌شه؟
گچ را با دست‌های سیاهش محکم گرفته
بود و با چشم‌های وحشت‌زده به من نگاه
می‌کرد.
خون جلوی چشم‌هایم را گرفته بود.
با وحشت گفتم: «خانم اجازه! ببخشید.»

این، درس پژوهی نیست!

مهناز رضایی بروجنی

آموزگار دبستان، بروجن چهارمحل و بختیاری

اشاره

«درس پژوهی» شیوه‌ای است که در آن معلمان زاپنی از هم‌دیگر می‌آموزند. در این شیوه، معلمان در کلاس‌های درس یک‌دیگر حاضر می‌شوند و یادگیری از هم را تجربه می‌کنند. اجرای درس پژوهی، به راهنمای ناظر و فرم‌های از پیش آماده شده‌ای نیاز دارد تا همه‌ی کارها طبق روال پیش رود. در سال‌های گذشته از درس پژوهی نوشته‌ایم و امسال هم مطالب علمی گوناگونی را در این زمینه منتشر خواهیم کرد. ولی آن‌چه در این نوشته می‌خوانید، نقدی است بر این‌که اگر طرحی بدون پشتوانه‌ی علمی و تنها با گرت‌برداری ظاهری از طرح‌های دیگران، به‌ویژه کشورهای دیگر که از لحاظ فرهنگی با ما تفاوت‌هایی دارند، اجرا شود و به نکته‌های باریک‌تر از موی نهفته در طرح توجه نشود، ممکن است چه عواقبی در انتظارمان باشد؟ این مطلب را در پی می‌خوانیم.

دیگری بلند شد و با چشمان اشکبار گفت: «خانم اجازه! خانم ما به من هم می‌گوید تو هیچی بلد نیستی؛ اصلاً تو هیچی یاد نمی‌گیری. مادرم هم

بلافاصله دانش‌آموزی که ظاهراً نماینده‌ی کلاس بود، از آخر کلاس بلند شد و گفت: «خانم اجازه! خانم ما گفته که شما هر سؤالی دارید فقط از من بپرسید، فقط من باید جواب دهم نه کس دیگر! در ضمن این دانش‌آموز (با اشاره به میز جلویی) بسیار تنبل است و خانم ما گفته است به شما بگوییم که از او به هیچ وجه درس نپرسید، چون چیزی بلد نیست.»

ساعت علوم بود و من شروع به سؤال پرسیدن کردم. بعد از چند پرسش یکی از دانش‌آموزان بدون این‌که من سؤال کرده باشم، گفت: «خانم! به باد شدید توفان می‌گویند.» گفتم درست است ولی من که این سؤال را نپرسیدم. وی گفت: «خانم اجازه! خانم ما می‌گوید تو هیچی بلد نیستی. من در خانه خیلی درس می‌خوانم، ولی خانم ما از درس من راضی نیست.» من گفتم: «ولی تو الان یک سؤال علوم را به خوبی جواب دادی، پس معلوم می‌شود تو خیلی چیزها می‌دانی.» او با تعجب به من خیره شد. بلافاصله دانش‌آموز

چند روزی بود که از جلسه‌ی معمول مدیر با عوامل آموزشی مدرسه می‌گذشت، مدیر در جلسه ذکر کرده بود که به ما گفته‌اند طرح درس پژوهی را باید اجرا کنیم و ما تصمیم گرفته‌ایم برای این کار یک روز جایتان را با معلمان مدرسه‌ی دیگر عوض کنید، تا به این ترتیب از تجربیات دیگر معلمان بهره‌مند شوید. ما همگی با این طرح مخالفت کرده بودیم، ولی با اصرار مسئولان اداره و مدیر مدرسه از دلایل خود صرف‌نظر کرده و راضی به اجرای این طرح شدیم. قرار شد صبح در مدرسه جمع شویم و به اتفاق با سرویس به مدرسه‌ی مذکور برویم و متقابلاً معلمان آن مدرسه هم به جای ما در کلاس‌های ما حاضر شوند. ما وارد مدرسه جدید شدیم و با استقبال مدیر و معاون مدرسه به کلاس رفتیم. من هم وارد کلاس دوم شدم. همه‌ی بچه‌ها مرتب و منظم سرجایشان نشسته بودند. بعد از معرفی به وسیله‌ی معاون مدرسه، من هم سلام کردم و کلاس را با نام خدا آغاز کردم.



آقا اجازه! لاک پشت نمرده...

حسنعلی هادی زاده بجزستانی

دبستان رضا طالبیان، بجزستان



تصویرگر: نیکو محمدی

برای من یک معلم خصوصی گرفته است. او هر روز یکی از درس‌ها را کار می‌کند. ولی نمی‌دانم چرا در کلاس نمی‌توانم پاسخ بدهم. برای همین معلم ما همیشه می‌گوید تو چیزی بلد نیستی!«

بلافاصله من سؤال از او پرسیدم و او به خوبی جواب داد. تعجب کردم و گفتم: «تو که خوب جواب می‌دهی، آفرین دخترم! مگر این‌ها را برای خانم خودت نمی‌گویی؟» به جای او یکی دیگر از بچه‌ها گفت: «معلم ما اصلاً فرصت جواب دادن نمی‌دهد، همان لحظه که سؤال را می‌پرسد، انتظار دارد که ما هم سریع جواب بدهیم. تا لحظه‌ای صبر می‌کنیم از دانش‌آموز دیگری می‌پرسد و به ما می‌گوید شما اعصاب مرا خرد کردید و مرتب به ما غر می‌زند و می‌گوید شما عرضه‌ی درس خواندن ندارید.» دانش‌آموز دیگری گفت: «معلم ما هر کس را که پای تخته می‌آورد و او پاسخ نمی‌دهد، به بقیه بچه‌ها می‌گوید برای او پا بزنند!» و

این یعنی انتقاد و سرزنش...»

من متوجه شدم علاوه بر معلم، خود دانش‌آموزان هم اسم تنبل و درس‌خوان روی هم‌دیگر گذاشته‌اند. گفتم بچه‌ها شما همگی با هم دوست هستید و می‌توانید به این چند نفر کمک کنید.

یکی از بچه‌ها گفت: «معلم ما گفته است، حق ندارید به این‌ها کمک کنید.»

ساعت بعد تصمیم

گرفتم ریاضی بپرسم.

ابتدا همان دانش‌آموزی

را که ساعت قبل نماینده‌ی

کلاس گفته بود از او سؤال

نپرسید، پای تخته آوردم و گفتم دخترم یک عدد سه رقمی بنویس، هر عددی که دوست داری. گفت خانم یک، دو، سه، بنویسم؟ گفتم بله بنویس. نوشت ۱۲۳. گفتم آفرین، آن را بخوان و با حروف بنویس. او جواب را به نحوی مطلوب روی تخته‌ی کلاس نوشت. من گفتم: «بسیار عالی، آفرین دخترم، حالا یک جمع سه رقمی با سه رقمی، من می‌گویم و بنویس.» او جمع را با جواب نوشت. بچه‌ها همه‌مان گفتند: «ولی خانم او برای خانم خودمان روی تابلو چیزی نمی‌نویسد.» و بلافاصله شروع به دست زدن کردند. گفتم: «بچه‌ها، خواستن، توانستن است. بدانید که خدا به همه‌ی ما عقل و فهم و دانایی داده است. پس ما می‌توانیم

آن چه را که می‌خوانیم، به‌دست آوریم.» بعد از چند لحظه سر میز همین دانش‌آموز رفتم و دیدم با ذوق و شوق در دفترش مشغول نوشتن جمع و تفریق و حل کردن است. او را تشویق کردم و از بچه‌ها خواستم بیشتر به او کمک کنند.

تنها چیزی که از معلم این کلاس می‌دانم، این است که او آموزگاری با سابقه است. ای کاش مسئولان بیشتر به همایش‌ها و برنامه‌های مشاوره‌ای و روان‌شناسی در خصوص معلمان می‌پرداختند و ای کاش معلمان با مطالعه و آگاهی‌های بیشتری وارد کلاس می‌شدند و ای کاش معلمان اهمیت بیشتری برای روحیات و شخصیت دانش‌آموزان خود قائل بودند و ای کاش...

من از این کلاس مطلب آموزشی

و تجربی جدیدی نیاموختم، تنها غم و

اندوه بچه‌هایی را در دل نهادم که حتی

یک کلمه‌ی آفرین و بارک‌الله از معلم خود

نشنیده بودند. بچه‌هایی که اگر به سرعت

جواب معلم خود را نمی‌دادند باید برایشان

پا زده می‌شد و این چنین سرکوب می‌شدند.

به‌راستی چرا ما باید شاهد چنین روش‌هایی در

نظام آموزشی کشورمان باشیم؟! و از همه مهم‌تر

این‌که آیا واقعاً کاری که ما انجام دادیم،

درس‌پژوهی بود؟ به نظر من درس‌پژوهی،

به ابزار و ملزوماتی نیاز دارد که در بازدید

ما، آن‌ها دیده نشدند. در واقع ما فقط

از مدارس هم بازدید کردیم، بدون

این‌که نتیجه‌ی اصلاحی دربرداشته

باشد. به نظر می‌رسد باز طبق رویه‌ی

کشورمان، ایده‌ی خوبی به روشی ناقص

در حال اجراست.



دختر کوچکی که نوآموز پیش دبستانی بود، از همه زودتر به مدرسه آمده بود. او در حالی که لاک‌پشت کوچکی در دست داشت، خوش حال وارد کلاس شد و بدون مقدمه گفت: «آقا اجاره! لاک‌پشت نمرده، زنده است. فکر می‌کنم افتاده روی علف‌های خشک زعفران‌های ما که پدرم برای گوسفندان درو کرده بود و نجات پیدا کرده است.»

من در حالی که می‌خندیدم، به سادگی و معصومیت رقیه غبطه می‌خوردم. لاک‌پشت رقیه تا آخر سال تحصیلی مهمان مدرسه‌ی ما بود و به‌عنوان وسیله‌ی آموزشی برای درس «علوم» از او استفاده می‌کردیم.

در دبستان **سلمان** روستای کامه از توابع شهرستان بجستان استان خراسان رضوی به‌عنوان معاون - آموزگار مدارس چند پایه خدمت می‌کردم. در کنار دانش‌آموزانم چند نوآموز پیش دبستانی نیز حضور داشتند و لاجرم به درس‌های من گوش می‌دادند.

اوایل اردیبهشت‌ماه درس «لاک‌پشت و مرغابی‌ها» را از کتاب «فارسی» اول تدریس کردم و از دانش‌آموزان خواستم عاقبت لاک‌پشت را حدس بزنند. اغلب دانش‌آموزان به این نتیجه رسیده بودند که لاک‌پشت چون از بلندی افتاده، مرده است.

بعد از تعطیلات پایان هفته، دانش‌آموزان به مدرسه برگشتند. رقیه

مرغ و جوجه‌هایش این جا چه می‌کنند؟

فرزانه فرخی

آموزگار پایه‌ی اول دبستان تربیت، ملایر

تأثیر آداب و سنن در بیان مفاهیم تم‌های ریاضی در کتاب‌های جدید التالیف پایه‌ی اول

از نقاط ایران مرسوم است) اما برای من یقین حاصل شد که اگر خواهان این هستییم که بچه‌ها به ارزش‌های مذهبی به‌طور مستقیم اشاره کنند (مثل تولد پیامبر(ص)، باید مصداقی از آن نیز مانند یک پرچم سبز یا سفید که حاکی از مراسم جشن و سرور است) با توجه به هدفی که مؤلف در رابطه با بیان ارزش‌های مذهبی داشته است، موجود باشد.

محدثه پرسید: «خانم چرا مرغ و جوجه‌ها توی کوچه‌اند؟» ديانا گفت: «خانم این مرغ می‌خواهد وقتی ماشین عروس و داماد آمدند، یک تخم بگذارد تا ماشین داماد از روی تخم مرغ رد بشود و کسی داماد و عروس را چشم نزند.»

خنده‌ام گرفته بود؛ به این همه دقتی که بچه‌ها دارند (توجه به مراسمی که در بعضی

ریاضی داشتیم، به بچه‌ها گفتم: «بچه‌ها امروز می‌خواهیم درباره‌ی این تصویر (تم ۱۴) بحث و گفت‌وگو کنیم؛ پس با دقت به تصویر نگاه کنید و بگویید که این تصویر در ارتباط با چه موضوعی است.»

یکی از بچه‌ها گفت: «خانم عروسی است.» گفتم: «از کجا فهمیدی؟» بیتا سریع گفت: «خانم دارند تو کوچه یا حیاط لامپ رنگی وصل می‌کنند.» گفتیم: «آفرین! خب، بچه‌ها آیا فقط جشن عروسی است؟» نرگس گفت: «خانم خانبندان است.» گفتم: «مگر در این تصویر حنا می‌بینی؟» گفت: «چون چراغ‌ها را از روز خانبندان وصل می‌کنند نه از شب عروسی!» گفتیم: «بچه‌ها ممکن است جشن تولد هم باشد؛ مثلاً، تولد پیامبر یا امام زمان(عج).» مبینا، دوقلوی زهرا گفت: «خانم، تولد پیامبر یا امام زمان در خانه را چراغان نمی‌کنند؛ شهر و میدان را چراغانی می‌کنند و یک پرچم سبز هم در خانه‌ها می‌زنند اما این جا هیچ پرچمی نیست.» (توجه به اشیای محسوس و ملموس برای بیان مفاهیم درس).

پرسیدم: «به نظر شما جشن می‌خواهد شروع بشود یا تمام شده است؟» زهرا گفت: «خانم می‌خواهد شروع بشود، ببینید این دختر و پسر برای چراغانی چقدر ذوق می‌کنند! اگر تمام شده بود ناراحت بودند.» گفتیم: «بچه‌ها به مرغ و جوجه‌ها نگاه کنید؛ چند مرغ و چند جوجه می‌بینید؟ همگی گفتند: «یک مرغ و چهار جوجه که روی هم پنج تا می‌شوند.»



تصویر برگرفته از: مکتب‌موسوی



امتحان

پاسخ‌های جالب

به پرسش‌های امتحانی

سجاد سرزعی

آموزگار دبستان، شهرستان رباط کریم

خیلی از ما معلمان، موقع تصحیح ورقه‌های امتحانی دانش‌آموزان خود به نکته‌هایی برمی‌خوریم که بسیار فرحبخش است و برخی مواقع، به‌رغم نادرست بودن پاسخ دانش‌آموزان، نمی‌توانیم آن‌ها را غلط بدانیم و برایشان نمره‌ای منظور نکنیم. آن چه در پی می‌آید، پاسخی است که برخی دانش‌آموزان به پرسش‌های امتحان داده‌اند. واقعاً اگر شما معلم این بچه‌ها بودید، به آنها نمره نمی‌دادید؟

- ناپلئون در کدام جنگ مرد؟ در آخرین جنگش!
- اعلامیه‌ی استقلال آمریکا در کجا امضا شد؟ در پایین صفحه.
- چگونه می‌توانید یک تخم‌مرغ خام را به زمین بتونی بزنید؛ بدون آنکه ترک بردارد؟ زمین بتونی سخت است و هرگز ترک برنمی‌دارد.
- علت اصلی طلاق چیست؟ ازدواج!
- علت اصلی مردود شدن دانش‌آموزان چیست؟ امتحانات.
- چه چیزهایی را هرگز نمی‌توان در صبحانه خورد؟ ناهار و شام!
- چه چیزی شبیه به نیمی از یک سیب است؟ نیمه‌ی دیگر آن سیب!
- اگر سنگ قرمزی را در دریای آبی بیندازید، چه خواهد شد؟ خیس خواهد شد!
- یک فرد چگونه می‌تواند هشت روز نخوابد؟ مشکلی نیست، شب‌ها می‌خوابد!
- چگونه می‌توانید فیلی را با یک دست بلند کنید؟ شما امکان ندارد فیلی را پیدا کنید که یک دست داشته باشد!
- اگر در یک دست خود سه سیب و چهار پرتقال و در دست دیگر سه پرتقال و چهار سیب داشته باشید، در مجموع چه خواهید داشت؟ دست‌های خیلی بزرگ.
- اگر هشت نفر در ۱۰ ساعت یک دیوار را بسازند، چهار نفر آن را در چند ساعت خواهند ساخت؟ هیچ! چون دیوار قبلاً ساخته شده است.



علائم سجاوندی به زبان ساده



دانشتنی‌هایی برای آموزگاران در تکمیل قسمت «نکته» در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی

دکتر سیدبهنام علوی مقدم

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

اشاره

یکی از مسائلی که در قسمت «نکته» در کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی به آن پرداخته شده، نشانه‌گذاری است. آگاهی از این علائم، لازمه‌ی مهارت نوشتن است و به کارگیری صحیح آن‌ها می‌تواند در نوشتن و القای بهتر مطلب به نویسندگان یاری رساند. به همین منظور نویسندگان کتاب، در بخش «نکته»ی کتاب‌های دبستانی، مطالبی را در این ارتباط بیان کرده‌اند. نویسنده‌ی این مطلب بر آن است تا با دسته‌بندی نشانه‌ها و نیز ارائه‌ی مثال‌های بیشتر، به آموزگاران عزیز در آموزش بهتر و مؤثرتر این بخش مهم کمک کند، نیز امیدواریم این مطالب به کار آموزگاران بیاید البته بدیهی است هدف از طرح این نکته‌ها، ارائه‌ی اطلاعات به مثابه دانشتنی‌های اضافی آموزگاران است و به هیچ روی منظورمان آموزش مستقیم نکته‌ها به دانش‌آموزان نیست.

نقطه (.)

در پایان همه‌ی جمله‌ها به جز پرسشی و عاطفی باید نقطه بگذاریم.
نمونه: مدرسه‌ها شروع به کار کردند.

ویرگول (،)

میان عبارت‌ها یا جمله‌های غیرمستقل که در مجموع جمله‌ای کامل را می‌سازند، گذاشته می‌شود. هم‌چنین، بین دو کلمه که ممکن است خواننده‌ها آن را با کسره‌ی اضافه بخوانند، قرار می‌گیرد. گاهی نیز جای آن پس از مناداست.

نمونه‌ها:

ایرانیان با کوشش هنری خود، آثار معروفی آفریده‌اند.
اگر اندیشه‌ات بارور شود، خلاق خواهی شد.
پروردگارا، ما را هدایت کن.

دونقطه (:)

۱. قبل از نقل قول؛ دانش‌آموزان می‌گویند: «از برنامه راضی هستیم.»
۲. مقابل کلماتی که می‌خواهیم آن‌ها را

نوشته‌اند.

معرفی کنیم؛ مینا: آبیگنه، شیشه.

۳. هنگام برشمردن اجزای یک چیز؛ پایه‌های موفقیت عبارت‌انداز: «سخت‌کوشی، برنامه داشتن، اعتماد به نفس و...».

گیومه («»)

۱. سخنی که به طور مستقیم از جایی یا کسی نقل می‌شود، داخل گیومه قرار می‌گیرد.
به قول سعدی «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.»
۲. اسامی، عنوان‌ها و اصطلاحات علمی یا فنی (فقط بار اول) را که می‌خواهیم ممتازتر نشان بدهیم، در گیومه می‌گذاریم: «تکواژ» کوچک‌ترین جزء معنی‌دار زبان است.

علامت پرسش (?)

الف: در آخر جمله‌های پرسشی از این علامت (?) استفاده می‌کنیم.

نمونه: چه برنامه‌ای برای آینده‌ات داری؟
ب: برای نشان دادن تردید و ابهام، علامت پرسش آن را درون پرانتز یا کمانک می‌آورند:

نمونه: برخی وفات سنایی را ۵۲۵ (?)

علامت تعجب یا توجه (!)

این علامت در پایان جمله‌های عاطفی به کار می‌رود.

چه هوای خوبی! عجب منظره‌ی قشنگی!
افسوس! دریغا!

نقطه ویرگول (;)

برای جدا کردن جمله‌هایی که از نظر ساختمان و مفهوم مستقل به نظر می‌رسند اما در یک عبارت طولانی یا یکدیگر ارتباط معنایی دارند، به کار می‌رود.
نمونه: برای اجرای این طرح باید برنامه داشت؛ سرمایه‌گذاری کرد، مشاور متخصص داشت و... .

احمق را ستایش خوش آید؛ چون لاشه که در کعبش دمی قر به نماید.

خط فاصله (-)

۱. جمله‌های توضیحی یا بدل و... بین دو خط فاصله قرار می‌گیرند.

حافظ شیرازی - لسان‌الغیب - قرآن را با



۱۴ روایت در حفظ داشت.

۲. هرگاه کلمه‌ای در آخر سطر نگنجد، با قرار دادن یک خط فاصله بقیه‌ی آن‌ها را در سطر بعد می‌نویسیم.

۳. به معنی (تا) و (به) برای بیان فواصل زمانی و مکانی:

فاصله‌ی تهران - مشهد ۹۰۰ کیلومتر است.

قطار تهران - مشهد وارد ایستگاه شد.

۴. هنگامی که دو کلمه روی هم دو جنبه‌ی گوناگون از یک منظور را نشان دهند. مباحث هنری - ادبی نزدیکی خاصی با هم دارند.

۵. در ابتدای جمله‌های مکالمه‌ای یا نمایش نامه به کار می‌روند:

- الو

- بفرمایید.

- سلام!

قلاب []

۱. مطالبی را که جزء اصل کلام نباشد،

داخل قلاب می‌آوریم.

کمال‌الملک وارد تالار شد
[ادای احترام] و در گوشه‌ای ایستاد.

۲. دستورهایی

اجرایی در نمایش نامه‌ها:

کمال‌الملک [با
لحن قاطع]: «هرگز تسلیم
نمی‌شوم.»

۳. در تصحیح متون

قدیم، کلمات توضیحی
یا الحاقی در قلاب گذاشته
می‌شود:

گفت: «او را دست، افکار

[زخمی] شد.»

ستاره (*)

۱. برای توضیح یک کلمه در پاورقی یا زیرنویس؛

۲. در آغاز سطر به نشانه‌ی شروع مطلب جدید و جلب توجه خواننده.

پیکان یا جهت‌نما (←)

۱. برای نشان دادن نتیجه؛ از سروا کردن چند جزء دارد ← حرف اضافه + سر (اسم)

+ و (پیشوند) + کردن (مصدر)

۲. به جای عبارت «نگاه کنید» یا «رجوع کنید به»؛ این سینا ← حجه الحق

ایضا (")

علامت جمله‌ها و کلمه‌های متشابه است و برای جلوگیری از تکرار به کار می‌رود.

مثال:

● ساده‌نویسی یعنی خودداری از کاربرد کلمات پیچیده؛
● " " " " " " مفاهیم بیگانه.





حمید دهقان

روزنامه‌نگار و کارشناس میراث فرهنگی

همه‌ی تاریخ هنر زیر یک سقف!



آشنایی با موزه‌ی رضا عباسی در تهران

اشاره

سال گذشته، در صفحه‌ی «میراث ما»، مخاطبان محترم مجله را با تعدادی از موزه‌های ایران آشنا کردیم. هدف این سلسله مطالب، علاوه بر شناساندن پیشینه‌ی فرهنگی به‌جای مانده از گذشتگان و افتخارات و هنرهای به ارث رسیده از نیاکان ما، معرفی مکان‌هایی برای بازدید شخصی توسط آموزگاران و نیز قراردادن این مکان‌ها در فهرست بازدیدهای دانش‌آموزی به‌وسیله‌ی مدرسه‌هاست. امیدواریم انتشار این مجموعه مطالب، در حد و وسع صفحات مجله، شما خوانندگان گرامی را با گذشته‌ی پر بار کشورمان آشنا سازد.

سراغاز

موزه‌ی رضا عباسی که موزه‌ی «تاریخ هنر ایران» نیز نامیده می‌شود، عنوان خود را از رضا عباسی، هنرمند نگارگر عصر صفوی گرفته است.

در موزه‌ی رضا عباسی، در واقع تاریخ هنر به نمایش گذاشته شده است و آثاری از دوره‌ی پیش از تاریخ تا روزگار معاصر، از هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد تا دوره‌ی قاجار را در آن‌جا می‌توان تماشا کرد.

اشیای موزه‌ی رضا عباسی در سه طبقه

و پنج تالار نگهداری می‌شود که شامل تالار پیش از اسلام، دو تالار دوره‌ی اسلامی، تالار نگارگری و تالار خوش‌نویسی است.

دوره‌ی پیش از اسلام

در تالار دوره‌ی پیش از اسلام اشیای بر مبنای پیدایش خط به دو بخش تاریخی و ماقبل تاریخ تقسیم شده‌اند. اشیای این تالار شامل آثاری از هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد تا دوره‌ی ساسانی است که سیر تحول در تمدن، فرهنگ و هنر نقاط گوناگون ایران زمین از جمله آذربایجان، لرستان، کرمانشاه، شوش، جیرفت و مناطق شمالی ایران را نشان می‌دهد.

سفالینه‌های پیش از تاریخ، ظروف سنگی جیرفت، ظروف سفالین خاکستری که هم‌زمان با ورود اقوام آریایی به ایران در ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد ساخته شده است و مفرغ‌های منطقه‌ی



لرستان از آثار این بخش از موزه هستند. در کنار آن‌ها ظروف زرین، قطعه‌های زینتی و جام‌های دوره‌ی هخامنشی، سردیس‌ها و زیورآلات دوره‌ی اشکانی و ظروف سیمین دوره‌ی ساسانی از ارزش‌مندترین آثار این موزه به‌شمار می‌آیند.

دوره‌ی اسلامی

با ظهور اسلام، در آثار هنری از لحاظ تکنیک ساخت و نوع تزئینات تغییرات عمده‌ای به‌وجود آمد. هنرمندان و صنعت‌گران در پی ایجاد مراکز هنری در رشته‌های خطاطی، نقاشی، سفال‌گری و فلزکاری آثار ارزش‌مندی به جامعه عرضه کردند که تفاوت عمده‌ای با دوره‌ی پیش از اسلام داشت و جریان هنری صدر اسلام تا دوره‌ی قاجاریه را نشان می‌داد. در دو تالار اسلامی موزه، فلزاتی مربوط به دوره‌ی آل بویه نگهداری می‌شود که همراه با نقش‌هایی از دوره‌ی ساسانی و دارای خطوط کوفی است.

- نمایشگاه آثار **یدالله کابلی**
خوانساری و جمعی از هنرمندان
شکسته‌نویس معاصر.

در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۱ نیز به‌منظور
حمایت از جامعه‌ی معلولین، ۵۰ تابلو از آثار
هنرمندانی مانند **زهرة اعتضاد السلطنه**،
برنده‌ی جایزه‌ی سیمرغ بلورین پارالمپیک؛
آرش رزقی‌بارز، دارنده‌ی مدال برنز
پارالمپیک؛ **فرامرز رشیدآباد**، چهره‌ی
ماندگار معلولین و **نعمت مردانی**، نفر اول
مجمه‌سازی دانشجویان کشور به تماشای
گذاشته شد.

کتاب‌خانه‌ی موزه

کتاب‌خانه‌ی موزه‌ی رضا عباسی با
دارا بودن کتاب‌های ارزشمند و دوره‌های
مجله‌های گوناگون به زبان‌های فارسی و
لاتین و نیز دوره‌های روزنامه‌های قدیمی،
مجموعه‌ی گران‌بهای برای استفاده‌ی
دانشجویان و پژوهش‌گران رشته‌های هنری
و فرهنگی به‌شمار می‌آید.

در گذر تاریخ

موزه‌ی رضا عباسی برای نخستین بار در
شهریور سال ۱۳۵۶ در خیابان شریعتی نزدیک
پل سیدخندان گشایش یافت، اما یک‌سال بعد
تعطیل شد. بازگشایی آن پس از تعمیرات
داخلی در آبان ۱۳۵۸ انجام شد اما دوباره
به‌دلیل برخی مشکلات در سال ۱۳۶۴ به‌طور
موقت تعطیل شد. در نهایت از سال ۱۳۷۸
فعالیت مجدد خود را آغاز کرد که تاکنون ادامه
دارد.

نشانی و تلفن موزه‌ی رضا عباسی

تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به پل

سیدخندان، سمت چپ، شماره‌ی ۹۷۲

تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۱۳۰۰۲

سعدی با کتاب‌های گوناگون، بخش‌هایی
از شاهنامه‌ی قوام داوری، شاه اسماعیل، شاه
تهماسب و آثار دیگری مانند مجمع‌التواریخ
حافظ ابرو، خمسه‌ی نظامی، اسکندرنامه و
نقاشی‌های رضا عباسی، نگارگر پرآوازه‌ی عهد
صفوی، و شاگردش، معین مصور را می‌توان در
آن‌جا تماشا کرد و لذت برد.

تالار خوش‌نویسی

در تالار خوش‌نویسی موزه‌ی رضا عباسی
آثاری از اوایل سده‌ی سوم هجری قمری تا
دوره‌ی قاجار نگاه‌داری می‌شود. این آثار با
خط کوفی و خط‌های شش‌گانه‌ی ثلث، نسخ،
محقق، ریحان، توقیع و رقاع، توسط استادان
برجسته و چهره‌های ماندگار هنر خوش‌نویسی
مانند **میرعماد الحسنی قزوینی**، **احمد**
نیریزی، **علیرضا عباسی**، **عبدالحمید**
درویش، **زین‌العابدین اصفهانی** و
علی‌عسکر ارسنجانی نوشته شده است.

برپایی نمایشگاه در موزه

نمایشگاه‌های آثار هنرمندان در موزه‌ی
رضا عباسی با استقبال هندیستان روبه‌رو
می‌شود. هدف از برگزاری آن‌ها آشنایی مردم
با آثار هنری و فرهنگی هنرمندان و اهل هنر
است.

هر سال چندین نمایشگاه در این موزه
برگزار می‌شود که برخی از آنان عبارت‌اند از:

- نمایشگاه برگ‌هایی از شاهنامه‌ی شاه
تهماسب

- نمایشگاه آثار نگارگری و تذهیب

- نمایشگاه پزشکی در آینه‌ی میراث

- نمایشگاه خوش‌نویسی و نقاشی

- نمایشگاه پارچه‌ها و بافته‌های دوره‌ی

اسلامی

هم‌چنین سفالینه‌هایی از سده‌های سوم و
چهارم هجری قمری با تکنیک‌های گوناگونی
از دوره‌های ایلخانی و صفوی. از مراکز
مانند نیشابور، کاشان، سلطان‌آباد خراسان و در
کاوش‌ها به‌دست آمده است که دارای نقوش
انسانی، حیوانی، گیاهی و کتیبه‌است. از دوره‌ی
سلجوقی نیز مجموعه ظروف سفالین و مینایی،
نقاشی‌های زیر لعاب و زرین‌فام تولیدشده در
شهرهایی مانند ری و کاشان و از دوره‌ی
قاجار منسوجات، فلزات و لاک‌های رنگارنگ
و آدین‌یافته با طرح‌های گل و مرغ زینت‌بخش
این دو تالارند که در کنار اشیای فلزی مانند
پیه‌سوزها، عودسوزها، پایه‌ی شمعدان‌ها، سپر



و شمشیرها توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب
می‌کنند

تالار نگارگری

تالار نگارگری از زیباترین و پربیننده‌ترین
بخش‌های موزه‌ی رضا عباسی است که
قدیمی‌ترین نمونه‌ی نسخه‌های خطی و
قرآن‌های قدیمی به خط کوفی از صدر اسلام
تا دوره‌ی قاجار در آن وجود دارد. هم‌چنین
کتاب‌های فاخری مانند گلستان و بوستان

نقش دو معلم در یک مدرسه

بازسازی خاطرات یک دانشجوی حرفه‌ی معلمی از دوران تحصیل در مدرسه

دکتر علی رؤوف

سرآغاز

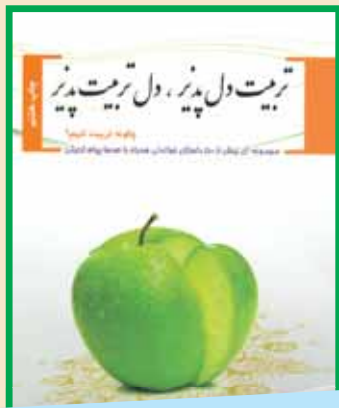
وقتی سهیلا میرمنوچهری راوری دانشجوی دانشگاه تربیت معلم، در کلاس‌های «اصول و مبانی آموزش و پرورش امروز» و «فلسفه‌ی تربیت معلم» حاضر شد و درباره‌ی موضوع «هیچ انسانی مثل انسان دیگر نیست» و «هیچ معلمی نمی‌تواند مانند معلم دیگری باشد» بحث کرد، دریافت که هیچ یگانگی حرفه‌ای در میان تدریس معلمان وجود ندارد یا نمی‌تواند وجود داشته باشد. هر معلمی بر پایه‌ی مهارت‌ها و حرفه‌مندی و توان‌مندی‌ها و نیز علاقه‌مندی‌های خود می‌تواند به دانش‌آموزانش یاد بدهد و یادگیری‌های فرد فرد آنان را برای ورود به زندگی در بزرگ‌سالی آماده سازد. در این درس، سهیلا به یاد آورد که در دوران تحصیل قبل از دانشگاهش، چه علاقه‌مندی‌ها و دل‌بستگی‌هایی به معلمان «خوب» خودش داشته و چه بی‌علاقگی‌ها و رفتارهای ناپسندی را با برخی از معلمان «ناخوب» تجربه کرده است. در این نوشته، او با یادآوری‌ها و تلنگرهای ذهنی شاد و غم‌انگیزی که در حافظه نگاه داشته، به بازسازی دو صحنه از خاطرات خود با عنوان «نقش دو معلم در یک مدرسه» پرداخته است. من در مقام مدرس کلاس‌های این دانشجوی نوشته‌ی او را با ویرایشی مختصر به شما خوانندگان رشد ابتدایی تقدیم می‌کنم.

۰۴

بچه‌ها با شور و نشاط وصف‌ناپذیری در حیاط مدرسه بازی می‌کردند. صدای زنگ به گوششان رسید، ولی دلشان می‌خواست وانمود کنند که نشنیده‌اند.

به هر حال، به سرصف آمدند و با نظم و ترتیب وارد کلاس‌هایشان شدند. بعضی از کلاس‌اولی‌ها که هنوز غم دوری از مادر و محیط خانه را داشتند و در خود فرو رفته بودند، با آمدن معلم از جا برخاستند و مادر را برای ساعتی فراموش کردند. کلاس‌های بالاتر هم به همین ترتیب با ورود معلم کار خود را شروع کردند، اما در این بین کلاسی بود که بچه‌های آن بیشتر در این فکر بودند که «ای کاش امروز معلم نیاید». یکی می‌گفت: کاش مریض شود. یکی می‌گفت: کاش تصادف کند و نیاید و دیگری می‌گفت: ای کاش پایش بشکند. اما نه! پای او نشکسته بود و صدای قدم‌هایش که خیلی محکم و مصمم بود، به گوش می‌رسید. بچه‌ها غرغرکنان سر جایشان نشستند و او وارد کلاس شد. بچه‌ها از جایشان بلند شدند





تربیت دل پذیر، دل تربیت پذیر

مؤلفان: محمدحسین رادمنش، افسر خلیلی

ناشر: مؤلف (۸۳۴۵۳۵۶ - ۰۳۵۱)

نوبت چاپ: هشتم، بهار ۱۳۹۰

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

اصغر ندیری

سقراط آرزو داشت در بلندترین نقطه‌ی شهر آتن بایستد و به مردم بگوید: «چرا بهترین سال‌های عمر خود را به جمع‌آوری ثروت می‌گذرانید؟ در حالی که آن گونه که لازم است در تعلیم و تربیت کودکان خود تلاش نمی‌کنید؟ این در حالی است که روزی ثروت خود را برای آنان باقی خواهید گذاشت!»

تلاش در راه رشد و تعالی کودک از وظایف اسلامی پدران، مادران و معلمان است. پس از خانواده، مدرسه از اهمیتی فوق‌العاده در تعلیم و تربیت کودک برخوردار است. پس در این زمینه از ابزارهای کارآمده داستان‌ها و نکات تربیتی است که اگر به‌جا گفته شود، اثری اعجاب‌آور بر جای می‌گذارد.

کانت، از مریبان بزرگ تعلیم و تربیت، گفته است: «از فعالیت‌های بشر، دو کار بسیار سخت است: یکی حکومت‌داری و دیگری تعلیم و تربیت.»

بنابراین، کسی نمی‌تواند ادعا کند که تمام راهکارهای تربیتی را در پرورش فرزانه‌ای به کار برده است اما مؤلفان این کتاب سعی کرده‌اند در کنار آوردن داستان‌ها و نکات خواندنی و باتوجه به روش تدریس قرآن کریم به بررسی لایه‌های پنهان تربیت بپردازند.

در ادامه خلاصه‌ای از داستان «دو دانه» را که به موضوع اعتماد به نفس پرداخته است، می‌آوریم.

دو دانه در هوای مساعد بهاری روی زمین افتادند. اولی گفت: «دل‌م می‌خواهد پاهایم را به زمین فرو برم و بینم در تاریکی زمین چه خبر است!»

دومی گفت: «نه نه! من می‌ترسم. شاید در آن تاریکی کرمی باشد که پایم را گاز بگیرد.»

دانه‌ی اول کارش را شروع کرد و به رشد کردن ادامه داد. دانه‌ی دوم در همین فکرها غرق بود که یک مرغ خانگی نوکش زد...»

دقت داشتن، جرئت ورزیدن، برخورد صحیح با مشکلات و حل مسئله از جمله درس‌هایی است که با خواندن نکته‌های این کتاب یکی از راه‌های صحیح برخورد با کودک و رشد دادن او را به خواننده نشان می‌دهد.

محمدحسن رادمنش و افسر خلیلی، از فرهنگیان خوش‌فکر استان یزد هستند.



ولی ناگهان صدای کشیده‌ای که به گوش یکی از دانش‌آموزان خورد، آنها را تکان داد. بلی، آن طفل از شدت نفرت نمی‌خواست جلوی پای معلم بلند شود و به این ترتیب، جریمه‌ی خود را دریافت کرد. ناظم مدرسه که داشت در راهروی مدرسه قدم می‌زد، متوجه این اتفاق در کلاس شد اما آن را ندیده گرفت و گذشت. بعد از گذشتن از چند کلاس، به کلاسی رسید که بچه‌ها ساعت اول را ورزش کرده بودند. در باز بود. به نظرش آمد یکی از بچه‌ها سر کلاس چیزی می‌خورد ولی نه! همه داشتند چیزی می‌خوردند. او تعجب کرد! همه خوش حال بودند. ناظم کمی خود را پنهان کرد و آن‌جا ایستاد. مثل این که بچه‌ها مشغول خوردن صبحانه‌ای مختصر بودند. شنید که معلم می‌گوید: «بسیار خوب بچه‌ها، حالا گوش کنید.» کلاس آرام و سراپا گوش شد و معلم شروع کرد به نوشتن ۱۵ | ۲۵۶ و به کارش ادامه داد. ناظم با

خود فکری کرد و به سمت کلاس قبلی که در آن‌جا بچه‌ای سیلی خورده بود، برگشت. با کمال تعجب دید دفتری پاره وسط کلاس افتاده و بچه‌ای جلوی تخته دست‌ها و یک پایش بالا ست و جریمه شده است. معلم هم الفاطی را به زبان می‌آورد. آری او داشت «تقسیم» درس می‌داد. هر دو کلاس آرام بودند ولی در این کلاس قلب بچه‌ها مانند گنجشکان دورافتاده از مادر می‌تپید و فضای کلاس را پر از ترس و وهم کرده بود. ناظم با خود فکر کرد و به یاد شعری از مولانا جلال‌الدین رومی افتاد که در دوران تحصیل خوانده بود:

هر دو گریک نام دارند در سخن
لیک فرق است این حسن با آن حسن



اختلالات

یادگیری

دانش آموزان

دوره‌ی غیرحضوری

کد دوره: ۹۱۴۰۰۵۱۳

طول دوره: ۲۴ ساعت

مقطع و زمینه: ابتدایی

برگزارکنندگان: مرکز برنامه‌ریزی
و آموزش نیروی انسانی
و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

پرونده‌ی ضمیمه‌ی
رشد آموزش ابتدایی
شماره‌های ۱ تا ۴
(مهر، آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۱)

۴۰
فردی ۶۱ اسنادی مهر ۹۱
شماره آموزش ابتدایی

«اختلالات یادگیری» موضوعی است که تقریباً از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ وارد حوزه‌ی علوم تربیتی ایران شده و ظاهراً از دهه‌ی ۷۰ آموزش و پرورش هم به آن توجه کرده است. با دایر شدن کلینیک‌ها و برپایی همایش‌های علمی و نیز چاپ کتاب‌های مناسب و انتشار مقالات در مجلات و روزنامه‌ها در مجموع، موضوع اختلالات یادگیری دوران خوشی را گذرانده است.

اختلالات یادگیری از موضوعات درسی جذاب ما در دانشگاه هم بود. من در سال ۱۳۷۰ در کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردم. این درس را با دکتر یوسف کریمی گذراندم و خاطرات جالبی هم از آن زمان دارم.

- یکی از نکته‌های مورد تأکید دکتر کریمی، کاربرد واژه‌ی «خاص» بود. او اصطلاح «اختلالات خاص یادگیری» را به کار می‌برد و معتقد بود اگر بگوییم اختلالات یادگیری یا ناتوانایی‌های یادگیری، با طیف بسیار وسیعی از مشکلات روبه‌رو می‌شویم، در حالی که تعریف و دامنه‌ی اختلالات خاص یادگیری مشخص و محدود است. البته به نظر می‌رسد هنوز اختلالات یادگیری پرکاربردتر است.

- در درس دیگری هم که در زمینه‌ی «کودکان استثنایی» با دکتر مریم سیف‌نراقی داشتیم، او کتاب «اختلالات یادگیری» تألیف خود و دکتر عزت‌الله نادری را معرفی کرده بود. این کتاب، پرسش‌نامه‌ی مفصلی داشت که در گردآوری اطلاعات و تشخیص مشکلات، بسیار به کار می‌آمد.

- دکتر کریمی به‌عنوان یک بازدید علمی ما را به کلینیکی در ضلع جنوبی پل سیدخندان برد. در آن‌جا نیز به‌طور عملی با انواع امکانات و روش‌های ارزیابی و تشخیص آشنا شدیم. همان زمان هم در زمینه‌ی آزمون‌های مناسب

دو دهه اختلالات یادگیری در ایران



تشخیصی برای مواردی چون «ریاضیات» و «املا» کمبودهایی وجود داشت.

به عنوان کار عملی، لازم بود دو دانش آموز را که در درس های ریاضیات و املا مشکل داشتند، انتخاب کنیم. چون آن زمان در آموزش و پرورش شهر خوی و در هسته‌ی مشاوره شاغل بودم، نمونه‌هایم را از یکی از مدارس ابتدایی اطراف اداره انتخاب کردم؛ دو دختر به اسمی **زهرا** (پایه‌ی سوم) و **سارا** (پایه‌ی چهارم). زهرا در درس ریاضیات نمره‌های پایین می‌گرفت و سارا در املا وضعیت خوبی نداشت. خودم تصور می‌کردم که کار در زمینه‌ی مشکلات ریاضی سخت‌تر باشد، اما موضوع عکس این بود. هر دو دانش آموز در پایان کار نمره‌ی قبولی گرفتند اما نتیجه‌ی فعالیت زهرا بهتر بود.

پدر زهرا مغازه‌ی بقالی داشت و دخترک هم در مغازه به پدرش کمک می‌کرد. جالب است که وقتی مسئله‌ی ریاضی را از کتاب درسی به زهرا می‌دادم، در حل آن عاجز می‌ماند، اما وقتی همین مسئله به صورت خرید و فروش در مغازه درمی‌آمد، زهرا به راحتی آن را حل می‌کرد. شاید زبان گفت‌وگویی ما با کودکان در کتاب‌های درسی، زبانی است که نمی‌تواند ارتباط لازم را با آن‌ها برقرار کند. مصادیق و مثال‌های فراوان دیگری برای این ادعا دارم.

آن ایام، سال‌های فعالی برای من در زمینه‌ی مطالعات اختلالات یادگیری بود. در یکی دو همایش علمی شرکت کردم، چند مقاله برای معرفی موضوع در روزنامه‌ها نوشتم و در زمینه‌ی تشخیص و بهبود آن کارهایی انجام دادم. به

کمک یکی از دانشجویان علاقه‌مندم به نام **احمد مبارکی**، در مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان خوی، آزمونی

برای سنجش مشکلات ریاضی دانش آموزان تهیه کردیم که اقدامی خاص بود. آقای مبارکی، اکنون چند سالی است که بازنشسته شده است.

به مرور زمان، فیتیله‌ی اقدامات در زمینه‌ی اختلالات یادگیری هم در آموزش و پرورش و هم در آموزش عالی پایین کشیده شد. سیاست‌های آموزش و پرورش که در همه‌ی موضوعات به‌طور دائم دگرگون می‌شود، درباره‌ی اختلالات یادگیری هم تغییر کرد و به راه‌اندازی کلینیک‌هایی محدود شد. در آموزش عالی هم، به‌غیر از چند نفری که کارشان ادامه یافت، بقیه، حوزه‌های دیگر را ترجیح دادند. در طول دهه‌ی اخیر کتاب‌های اندکی درباره‌ی اختلالات یادگیری تألیف یا ترجمه شده است. به‌نظر می‌رسد در تألیف، کتاب «**توانایی‌های یادگیری**»، اثر **اکبر فریار** و **فریدون رخشان** و در ترجمه، کتابی با همین عنوان اثر **جرالد والاس** و **جیمز مک لافلین**، با ترجمه‌ی **م. تقی منشی طوسی** هم‌چنان آثار ارزشمندی به‌شمار می‌آیند. اختلالات یادگیری یکی از موضوعاتی است که اگر در آموزش و پرورش به‌طور جدی به آن توجه شود، می‌تواند هم در بهبود مشکلات دانش آموزان و هم در تحولات آموزشی بسیار مؤثر واقع شود.

در این مجموعه مطالب که در چهار شماره‌ی ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی (مهر تا دی ۱۳۹۱) با عنوان «اختلالات یادگیری دانش آموزان» ادامه خواهد یافت، سعی خواهیم کرد مباحث متنوعی درباره‌ی این موضوع ارائه کنیم. امیدواریم این مطالب در ارتقای سطح دانش، نگرش و مهارت‌های آموزگاران مؤثر باشد. از ناظر مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی خانم **منصوره شیخی** که در آماده‌سازی این مجموعه همکاری داشته‌اند نیز، سپاس‌گزاری می‌کنیم

ابراهیم اصلانی

دبیر ویژه‌نامه‌ی اختلالات یادگیری



به هوش ربطی ندارد



۱۲ دانستنی ضروری درباره‌ی اختلالات یادگیری

آشنا هستند، اما برای ما که معلم، مدیر یا پدر و مادر هستیم؛

لازم است که به روشی رسمی‌تر با موضوع آشنا شویم. مفهوم اختلالات یادگیری از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی وارد حوزه‌ی «علوم تربیتی» شد. از نیم‌قرن گذشته، در این زمینه تحولات قابل توجهی روی داده اما مهم‌ترین تأثیر مباحث اختلالات یادگیری این است که افق‌های جدیدی را در درک دلایل یادگیری و عدم یادگیری افراد گشوده است.

با یافته‌های اختلالات یادگیری می‌توان توضیح داد که دلایل بخش عمده‌ای از توفیق نیافتن افراد در یادگیری به چیزی غیر از هوش و استعداد مربوط است. کسی است که احساس می‌کند هوش و استعدادهای مناسبی برای یادگیری ریاضی ندارد، در واقع ممکن است به دلایل عصب‌شناختی یا آموزش در ریاضیات مشکل داشته باشد. امروزه می‌توان با تشخیص درست و طراحی برنامه‌های ترمیمی، در رفع مشکلات یادگیری افراد گام‌هایی مؤثر برداشت.

اختلالات یادگیری از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مقوله‌های آموزش و پرورش ویژه در جهان است که باید به‌درستی شناخته و درک شود.

این ۱۲ دانستنی ضروری را درباره‌ی اختلالات یادگیری بخوانید:

۱. تعریف اختلالات یادگیری کار راحتی نیست.

دشوار بودن تعریف اختلالات یادگیری، به تنوع دیدگاه‌ها درباره‌ی دلایل آن بازمی‌گردد. همچنین می‌توان این تعریف ساده را پذیرفت که: «مشکل کودکی که از نظر هوشبهر در حد عادی است اما در یک یا چند عملکرد تحصیلی دچار اختلال بوده و این اختلال تداوم داشته باشد، اختلال یادگیری نامیده می‌شود.»

با وجود تغییراتی که در تعریف اختلالات یادگیری به وجود آمده است، تأکید بر برخی ویژگی‌های آن مانند محدود

از زمانی که دانش‌آموز بودم، به یاد دارم که یکی از رایج‌ترین توجیه‌های بچه‌ها برای توفیق نیافتن در درس‌ها، توسل به مفهوم «استعداد» بود. در سال‌های بعد نیز از افراد زیادی شنیدم که ناتوانی‌های‌شان در یادگیری را به استعداد ربط داده‌اند:

- استعداد ریاضی من صفر است؛

- من اصولاً در یادگیری زبان (انگلیسی، فرانسه و...) استعدادی ندارم؛

- استعداد من در املا، افتضاح است.

بسیاری از کسانی که مشکلاتشان را به استعداد ربط می‌دهند حتی درکی درست از این مفهوم ندارند و همان‌گونه که گفتم، بیش‌تر به دنبال توجیهی برای ضعف‌ها هستند. حالا که به‌عنوان معلم به موضوعی که آن را با عنوان‌های گوناگونی مانند ضعف درسی، ناتوانی یادگیری، درس نخواندن و تنبلی می‌شناسیم، نگاه می‌کنم، نمی‌توانم خودم را قانع سازم که همه‌ی مشکلات به هوش و استعداد بازمی‌گردد. دلایل بسیاری نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دلیل و زمینه‌های متنوعی برای درس نخواندن دارند. شما هم دیده‌اید که دانش‌آموزی در:

- یکی دو درس ضعیف است، اما در بقیه‌ی درس‌ها مشکلات کمتری دارد؛

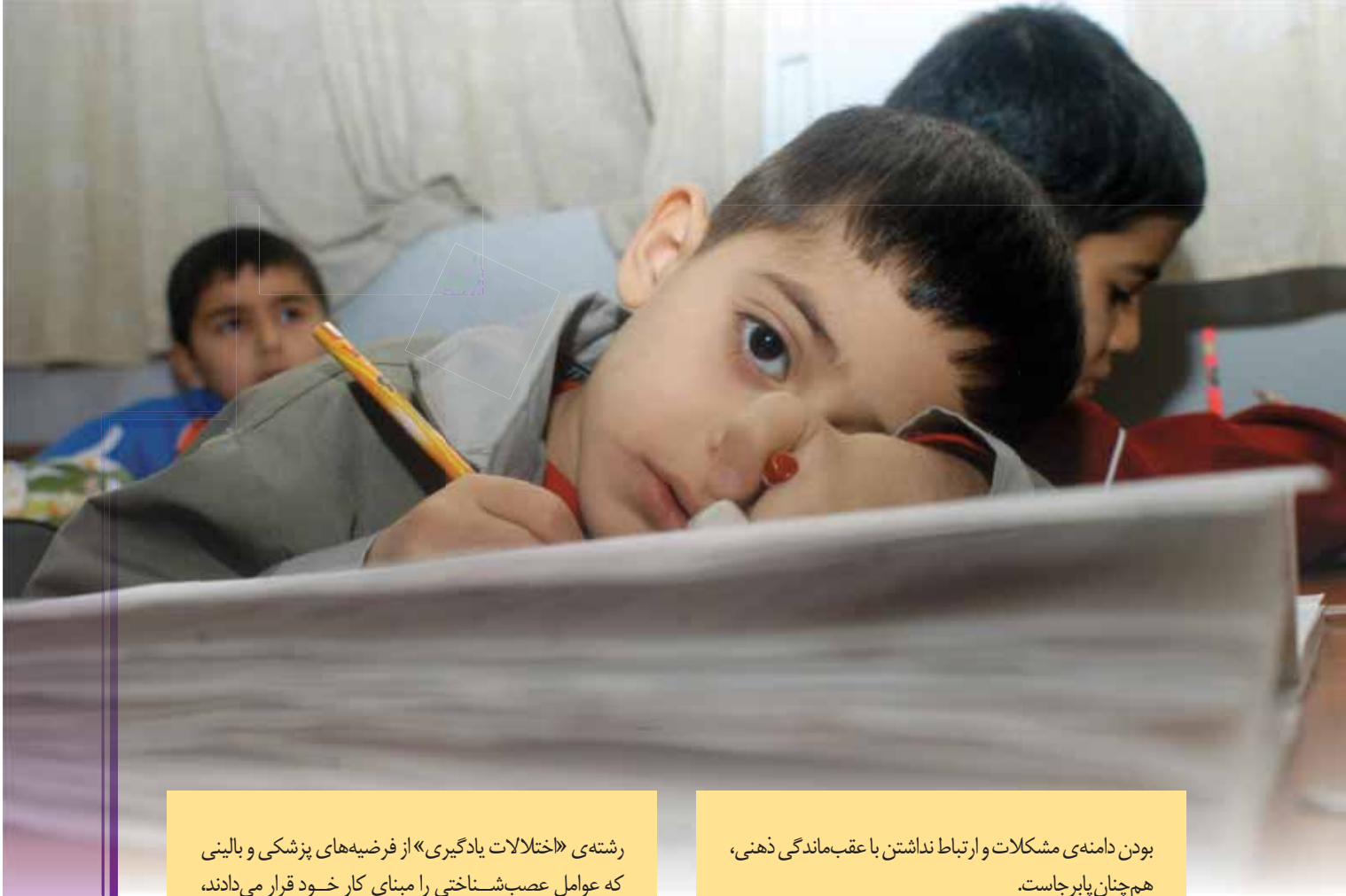
- در درسی ضعیف است اما در شرایطی که به او توجه شود، پیشرفت می‌کند؛

- در «ریاضی» ضعیف است، اما در کارهای سخت‌تر دیگر مانند امور رایانه‌ای، بسیار موفق عمل می‌کند؛

- در همه‌ی درس‌ها مشکل دارد، اما در موضوعات عادی زندگی با مشکل خاصی روبه‌رو نیست.

به این ترتیب، به‌نظر می‌رسد بسیاری از افراد با مفهومی





بودن دامنه‌ی مشکلات و ارتباط نداشتن با عقب‌ماندگی ذهنی، هم‌چنان پابرجاست.

۲. پیشرفت پایین‌تر از حد متوسط است.

دانش‌آموز دارای اختلال یادگیری با ویژگی عمده‌ی پیشرفت پایین‌تر از حد متوسط، شناخته می‌شود. عملکرد او در خواندن، نوشتن یا حساب کردن ممکن است در حد انتظار نباشد اما در زمینه‌های دیگر تحصیلی یا رفتارهای دیگر مبتنی بر یادگیری، شاید عملکردش مطلوب باشد.

به این ترتیب، به دو نوع مقایسه‌ی میان فردی و درون فردی برمی‌خوریم. در مقایسه‌ی میان فردی، عملکرد دانش‌آموز دارای اختلال یادگیری از وضعیت متوسط کلاس پایین‌تر است. در مقایسه‌ی درون فردی هم، تفاوت‌های آشکار بین عملکردهای گوناگون تحصیلی دانش‌آموز دیده می‌شود. ممکن است او در خواندن وضعیتی مناسب نشان دهد اما در ریاضیات در حد انتظار پیشرفت نکند.

۳. سبب‌شناسی اختلالات یادگیری، بحث‌انگیز

است.

اسباب بروز اختلالات یادگیری نسبتاً مهم است. این موضوع از یک طرف، در توجه متخصصان تربیتی قرار دارد و از طرف دیگر، برای متخصصان یادگیری، عصب‌شناسی و دیگر زمینه‌های پزشکی جالب توجه است. البته بهتر است در سبب‌شناسی اختلالات یادگیری به تأثیر متقابل تمامی عوامل ممکن توجه شود. تجربه‌ی گذشته و یافته‌های امروزی ثابت می‌کنند که اختلالات یادگیری موضوعی چند رشته‌ای است.

رشته‌ی «اختلالات یادگیری» از فرضیه‌های پزشکی و بالینی که عوامل عصب‌شناختی را مبنای کار خود قرار می‌دادند، به‌وجود آمده است. در دهه‌های اخیر عوامل ارثی، محیطی، آموزشی و حتی اجتماعی- فرهنگی نیز مورد توجه بوده‌اند. به‌طور کلی و در حال حاضر، متخصصان به دیدگاه‌های مثبت‌تری در تفسیر علل اختلالات یادگیری دست یافته‌اند.

۴. اختلالات یادگیری، بیماری نیست، مشکل

است.

نگرش معلمی و آموزش به اختلالات یادگیری ایجاب می‌کند که تا حد امکان به همه‌ی ابعاد آن نگاهی انسانی و مثبت بیندازیم. در همه‌ی مباحث اختلالات یادگیری اعم از تعریف، سبب‌شناسی، طبقه‌بندی، تشخیص و حل مشکل، تمام واژه‌ها و مفاهیم باید جهت‌گیری مثبت داشته باشند. این تأکید به خاطر آن است که اولاً معلم و دیگر عوامل آموزشی از برچسب‌های نابه‌جا دوری کنند و در مرحله‌ی بعدی فراموش نکنند که اختلالات یادگیری بیش از سبب‌شناسی و تفسیر، نیاز به برنامه‌های ترمیمی دارد.

هر دلیلی که برای اختلالات یادگیری وجود داشته باشد، درمان‌گران و آموزگاران که با موضوع سروکار دارند، می‌توانند با مداخله‌های مؤثر و ارائه‌ی آموزش‌های متناسب با نیازهای فردی دانش‌آموزان، به بهبود اوضاع کمک کنند. حتی درباره‌ی درمان، ترجیح می‌دهیم از واژه‌هایی چون ترمیم یا بهبود استفاده کنیم تا نشان دهیم که اختلالات یادگیری



بیماری نیست، بلکه مشکل است.

۵. الگوهای گوناگون برای ارائه خدمات آموزشی وجود دارد.

اینک به موضوع اختلالات یادگیری در بیشتر نظام‌های آموزشی توجه می‌شود. به تناسب تلاش‌های انجام شده برای سبب‌شناسی، طبقه‌بندی و بهبود اختلالات یادگیری، مدل‌های گوناگونی از ارائه خدمات آموزشی طراحی و اجرا شده است.

راحت‌ترین نوع مداخلات، استفاده از فنون آموزشی در کلاس درس یا همراه‌سازی مشاوره در کنار این فنون است. انواع دیگر خدمات به کلاس ویژه‌ی پاره‌وقت، کلاس ویژه‌ی تمام وقت، مدرسه ویژه و موارد دیگر اشاره دارد. تاکنون در کشور ما چند نمونه از ارائه خدمات، تجربه شده است. زمانی حتی مدارس ویژه به این گروه از دانش‌آموزان اختصاص یافت. در حال حاضر، موضوع به ارائه خدمات در کلینیک‌های تخصصی محدود شده است؛ اگرچه به نظر می‌رسد امکان استفاده از مدل‌های دیگر و ارائه خدمات بیشتر وجود دارد.

۶. اختلالات یادگیری ربط چندانی به توانایی‌های هوشی ندارد.

در همه‌ی تعاریف قدیم و جدید اختلالات یادگیری، تأکید می‌شود که این موضوع ربطی به عقب‌ماندگی ذهنی از هر نوع ندارد. اختلالات یادگیری توانایی‌های شناختی خود را مختل می‌کند اما ناشی از ناتوانی‌های هوشی که به‌طور معمول با اصطلاح عقب‌ماندگی ذهنی شناخته می‌شود، نیست.

متخصصان اختلالات یادگیری اصرار دارند که این موضوع باید با اصول خودش بررسی شود. هر نوع ارتباط بین این دو بحث، مشکلات مربوط به اختلالات یادگیری را بیشتر خواهد کرد. بدیهی است که اگر هوش دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری، به‌وسیله‌ی آزمون‌های معمول هوش‌شهر اندازه گرفته شود نتایج مایوس‌کننده خواهد بود. آزمون‌های تشخیصی اختلالات یادگیری، آزمون‌هایی هنجار مرجع

نیستند بلکه آزمون‌هایی ملاک مرجع هستند؛ چراکه قصد آن‌ها فقط نمره‌گذاری نیست. این نوع آزمون‌ها به دنبال عیب‌یابی و تشخیص مشکل‌اند.

۷. اختلالات یادگیری در چند گروه جای می‌گیرند.

طبقه‌بندی اختلالات یادگیری هم موضوعی بحث‌برانگیز است. با وجود تفاوت، دیدگاه‌ها درباره‌ی طبقه‌بندی، دست‌کم درباره‌ی چند گروه از اختلالات یادگیری، توافق نظر میان متخصصان دیده می‌شود:

- اختلالات زبان گفتاری

- اختلالات خواندن

- اختلالات زبان نوشتاری

- اختلالات ریاضیات

ورود به جزئیات هر یک از این اختلالات برای معلمان بسیار مفید است؛ چراکه نه تنها آن‌ها را با انواع مشکلات یادگیری آشنا می‌کند بلکه در کاربرد فنون و روش‌های آموزشی درک دقیق‌تری به آن‌ها می‌دهد.

۸. افراد دارای اختلالات یادگیری شبیه هم نیستند

نمی‌توان همه‌ی افراد دارای اختلالات یادگیری، حتی از یک گروه را به‌راحتی با هم مقایسه کرد. این افراد نه فقط از لحاظ سبب‌شناسی متفاوت‌اند، بلکه در جزئیات مشکلات هم تفاوت‌هایی دارند. برای مثال، در ریاضیات، دانش‌آموزی در درک مفاهیم پایه دچار مشکل است، دانش‌آموزی دیگر از درک مسئله‌ها عاجز است و یکی هم در مهارت‌های محاسباتی مشکل دارد.

درک این نکته که افراد دارای اختلالات یادگیری شبیه هم نیستند، در تشخیص نوع مشکل هر فرد بسیار حایز اهمیت است.

۹. در هر کلاسی، دانش‌آموزانی با اختلالات یادگیری وجود دارند.

برآوردی دقیق از تعداد دانش‌آموزان دارای اختلالات



یادگیری در ایران وجود ندارد، البته برآوردهای جهانی هم متفاوت است. با این همه، اگر برآورد رایج پنج درصدی را ملاک بگیریم، می‌توانیم تصور کنیم که در هر کلاس ۲۰ تا ۴۰ نفری، حداقل یک یا دو دانش‌آموز با اختلال یادگیری حضور دارند. این بدان معناست که هر معلمی با دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری روبه‌روست و بنابراین دانستن ویژگی‌ها، علل، طبقه‌بندی و ارزیابی اختلالات یادگیری ضرورت دارد.

۱۰. اختلالات یادگیری در تمام عمر ادامه

دارد.

در سال‌های نه‌چندان دور موضوع اختلالات یادگیری بیشتر درباره‌ی کودکان مورد توجه بود، اما امروزه دامنه‌ی آن به بزرگسالان هم کشیده شده است. وقتی مداخلات درمانی کم یا غیرمؤثرند، می‌توان انتظار داشت که اختلالات یادگیری حتی در بزرگسالی هم ادامه یابد.

هم‌چنان که این رشته جایگاه بهتری پیدا می‌کند، پژوهشگران به شواهد محکم‌تری است می‌یابند که نشان می‌دهد روش‌های مناسب، می‌تواند اختلالات یادگیری را کاهش دهد. معلمان و درمان‌گران و سایر افراد مرتبط با موضوع می‌توانند به افراد با اختلالات یادگیری کمک کنند تا به سطحی رضایت‌بخش و شادتر در زندگی برسند.

۱۱. کار در زمینه‌ی اختلالات یادگیری به

تخصص نیاز دارد.

در زمینه‌های تشخیصی و ارزیابی می‌توان از تخصص‌هایی چون روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مشاوره و دیگر متخصصان کمک گرفت اما هرگونه مداخلات درمانی و طراحی برنامه‌های ترمیمی نیازمند آموزش و تخصص ویژه است. معلمان و دیگر عوامل آموزشی مدرسه هم می‌توانند زیر نظر متخصص اختلالات یادگیری، خدماتی را ارائه کنند، هرگونه اقدام و مداخله باید مبتنی بر یک برنامه‌ی طراحی شده باشد؛ برنامه‌ای که متخصص اختلالات یادگیری با طی مراحل لازم، آماده کرده است.

۱۲. برنامه‌هایی برای پیشگیری و مداخله در اوایل کودکی وجود دارد.

باوجود همه‌ی چیزهایی که درباره‌ی تشخیص، طبقه‌بندی و درمان اختلالات یادگیری گفته می‌شود، می‌توان از برنامه‌هایی برای پیشگیری هم صحبت کرد. مداخلات اولیه‌ای وجود دارند که چه در سطح خانواده و چه در سطح مدرسه، می‌توانند نخستین مرحله از پیشگیری به حساب آید. این مداخلات می‌تواند از توجه به عوامل خطرآفرین در نوزادی و اوایل کودکی شروع شود و به جریان‌های آموزشی در پیش‌دبستان و دبستان برسد.

جامعیت و قوت برنامه‌های نظام آموزشی هم عامل پیشگیرانه‌ی مهم است. اگر در سبب‌شناسی اختلالات یادگیری بر نارسایی‌های آموزشی، بیشتر متمرکز شویم، در نقطه‌ی مقابل می‌توانیم بگوییم که آموزش‌های مؤثر و کارآمد در پیشگیری از اختلالات یادگیری نقش به‌سزایی خواهند داشت.



با هم راهان

ما هستیم، چون شما هستید و مجله‌ی خودتان را می‌خوانید

برنامه‌ریزی مجله، به دلیل آن که زبان‌هایش بیشتر از نفع احتمالی آن خواهد بود، مناسب چاپ تشخیص داده نشد. منتظر مطالب دیگر تان هستیم.

□ پروین سالاری، دانشجوی دکتری علوم و تحقیقات تهران و کارمند ناحیه‌ی دو از کرمان: مقاله‌ی پژوهشی شما با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی از نظر میزان توجه به آموزه‌های پژوهشی مبتنی به روش ویلیام رومی» را دریافت کردیم. نظر به این که کتاب‌های علوم دوره‌ی ابتدایی به تدریج در حال بازسازی و تجدیدنظر هستند، امکان چاپ این مقاله منتفی است. ولی مقاله‌ی شما را در اختیار گروه علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری قرار دادیم.

مقالات و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت کردیم. به دلیل حجم بالای آثار دریافتی از همکاران و صفحات محدود مجله، متأسفانه چاپ این آثار میسر نخواهد شد. با پوزش از این همکاران عزیز، منتظر سایر آثار آن‌ها هستیم:

- آذربایجان شرقی: مژگان سلطانی (سرگروه درسی پایه‌ی اول استان و آموزگار دبستان زمزم، ناحیه‌ی چهار تبریز).
- آذربایجان غربی: اژدر عبداله‌زاده (کارشناس آموزش ابتدایی، شهرستان شوط). پری احمدی نیا (آموزگار پایه‌ی اول دبستان سمیه، آشنویه آذربایجان غربی) و حمید قادری (آموزگار دبستان ظفر، ناحیه‌ی یک ارومیه).
- اردبیل: ماهره جعفری (آموزگار پایه‌ی پنجم و دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، ناحیه‌ی دو).
- اصفهان: زهره سادات اولیایی (شهرضا)، فاطمه شریف (آموزگار دبستان پروین صفا، کاشان)، زهرا شریفی (آموزگار پایه‌ی اول، دبستان شهید میکائیلیان امیرآباد، نجف‌آباد)، مه‌ری آقایی (آموزگار دبستان سمیه رضوان شهر، تیران)، علی اصغر نجفی (آموزگار دبستان امید، بوئین و میاندشت)، اکرم دارایی (آموزگار دبستان خضری، راوند کاشان)، محمدحسن زمانی پور (بازنشسته‌ی آموزش و پرورش، نجف‌آباد) و مریم شریفی (مدیر آموزگار دبستان امامت فارفان، منطقه‌ی بن‌رود). بدری السادات میری (آموزگار دبستان حمیدیه، سمیرم) و زهرا

«با هم راهان» بخشی است که از مهرماه ۱۳۸۴ و برای ارتباط با مخاطبان گشایش یافته است. در این بخش، از نامه‌ها، نوشته‌ها و آثار ارسالی خوانندگان به دفتر مجله سخن می‌گوییم و مواردی را ذکر می‌کنیم که طرح آن‌ها با شما ضروری است. برای کارکنان مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، مخاطبان از جایگاه والایی برخوردارند: «ما هستیم، چون شما هستیم و مجله‌ی خودتان را می‌خوانید.»

امسال هم این بخش را در هر شماره‌ی مجله خواهیم داشت. شما هم می‌توانید پیام‌ها، نوشته‌ها، درخواست‌ها، تجربه‌ها و سخنان خود را از راه‌های شش‌گانه‌ی ارتباطی (ارسال نامه از طریق صندوق پستی، تماس پستی، ارسال نامبر، ارسال پیام‌نگار از طریق پست الکترونیکی، گذاشتن پیام در تلفن پیام‌گیر و مراجعه‌ی حضوری) با ما در میان بگذارید. راه‌های ارتباط با مجله، در صفحه‌ی شناسنامه‌ی مجله آمده است.

با هم راهان این شماره، به دلیل فاصله‌ی میان اردیبهشت و مهرماه ۹۱، نامه‌ها و ارتباطات فصل تابستان را هم دربردارد.

پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های برخی از خوانندگان

- خانم فاطمه زابلی‌زاده، آموزگار پایه‌ی اول دبستان پسرانه‌ی اتقایی از شهرستان بم: ایرادات شما درباره‌ی کتاب «ریاضیات» پایه‌ی اول را در اختیار دکتر عالمیان، مؤلف همین کتاب قرار دادیم.
- خانم زهرا جعفرخانی، آموزگار دبستان هدف، کاشمر خراسان رضوی: عکس‌هایی را که از فعالیت‌های خود و دانش‌آموزانتان تهیه کرده بودید، دریافت داشتیم. خلاقیت شما را می‌ستاییم. منتظر کارهای نوآورانه‌ی دیگر هستیم.
- حسین محمدیان، آموزگار دبستان شهدای فلسطین، سردشت آذربایجان غربی: مقاله‌ی شما با عنوان «برخورد، توصیفی؛ اما مقیاس نمره‌ای» را خواندیم و برخلاف این که موضوع ساده‌ای داشت، به دلیل سنگینی واژه‌ها و مبهم بودن توضیحاتتان، متوجه نشدیم که چه می‌گویید. لطفاً موضوع را دوباره، به‌طور مبسوط و با در نظر گرفتن این که ما چیزی از آن چه که در ذهن شما می‌گذرد، نمی‌دانیم؛ بنویسید و به دفتر مجله ارسال کنید. متشکریم.
- اشرف صادقی‌فر، آموزگار دبستان حضرت فاطمه (س)، سرآسیاب ملارد: نوشته‌ی شما با عنوان «معلم جدید» پس از دوری توسط اعضای شورای

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کورک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد نواآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی

آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

شرفی خشمویی (آموزگار دبستان شهید میکائیلیان، نجف‌آباد).

• البرز: زهرا بیات (آموزگار دبستان آسیه، ناحیه‌ی سه، کرج).

• ایلام: جمال یارمحمدی (ایلام).

• بوشهر: فاطمه مؤید (آموزگار پایه‌ی اول دبستان عترت، دشتستان). غصنفر

قاسمی (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دیر بوشهر) و یوسف سهولی

(کارشناس ارشد ریاضی محض، دیر بوشهر).

• تهران و شهرستان‌های تهران: اقدس عباس ممقانی (دبستان

حضرت علی اصغر^(ع)، منطقه‌ی ۱۷) و ساجد یعقوب‌نژاد (کارشناس ارشد

روان‌شناسی کودکان استثنایی و دبیر آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران)، حبیب

امانی (کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، تهران) و مینا زند (کارشناس ارشد

برنامه‌ریزی درسی، منطقه‌ی شش تهران).

• چهارمحال و بختیاری: حسن احمدی (معاون اجرایی مجتمع آموزشی

خلیج فارس، فلارد) و علی قنبری (معاون مرکز آموزشی باغچه‌بان لردگان).

• خراسان شمالی: بی‌بی عافیه تاقانی (آموزگار از شهرستان بجنورد). شیمیا

زمانی (آموزگار تربیت‌بدنی، مانه و سملقان).

• خراسان جنوبی: محمودزنگ (دبیر تربیت بدنی، بیرجند)

• خوزستان: فاطمه رضایی (آموزگار دبستان شهید علیزاده، بندر ماه‌شهر

خوزستان) و نرگس رجایی (مدیر دبستان شهید علیزاده، بندر ماه‌شهر خوزستان).

• سمنان: سمانه جوادی مقدم (آموزگار پایه‌ی دوم، دبستان فرزانه گرمسار).

• سیستان و بلوچستان: طیبه فلاحتی (آموزگار پایه‌ی پنجم، زاهدان). زهرا

لکزایی (آموزگار پایه‌ی چهارم، چابهار)، زهرا زارع پور، سجاد دهقانی (آموزگار

دبستان، خاش) و طوبی دلارامی ثانی (مدیر دبستان دخترانه‌ی کشتیرانی هشت،

چابهار). محمد اصغر امیری (کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، نیک‌شهر).

• فارس: ملیحه محجوب‌زاده جهرمی (آموزگار دبستان محجوب، روستای

دهنو، علامرودشت لامرد فارس)، اصغر غفاری پور (کارشناس ارشد مدیریت

آموزشی، زرقان) و صدیقه سربخش (آموزگار دبستان ملاصدرا روستای دهخیر

سفلی، داراب).

• قزوین: فاطمه جهان‌بخش (آموزگار مجتمع آموزشی امید، تاکستان).

• قم: اعظم زارع (آموزگار دبستان تربیت اسلامی، ناحیه‌ی دو، قم).

• کردستان: جمیله آزاد (آموزگار دبستان پیرمراد، شهرستان بانه)، علیرضا

سودمند (آموزگار منطقه‌ی کرانی، بیجار) و سحر حیدری (کارشناس آموزش

ابتدایی، مریوان). فاطمه فرمانی (آموزگار پایه‌ی اول دبستان شهید محسن

عبدی روستای قزلجه کند، قروه)، نادر رشیدی (راهنمای ارزیابی مریوان)،

روناک آفتابی (مریوان)، شمس‌الدین اسدی (مریوان)، فرحناز معین پور

(مریوان).

• کرمانشاه: مژگان کلهری (آموزش و پرورش ناحیه‌ی دو).

• کرمان: پروین سالاری چینه (دانشجوی دکترای علوم و تحقیقات، ناحیه‌ی دو).



تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سراه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

◆ نام مجلات درخواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

باوبلاگ‌های فعال آموزگاران آشنا شویم

ترنم تلاش www.moallem79.blogfa.com

فهمه حبیبی - مشهد

دفتر مشق معلم www.besht.blogfa.com

وب‌نوشته‌های علی افشاری - سمیرم

گوشی www.mortezamajdfar.blogfa.com

وب‌نوشته‌های مرتضی مجدفر - سردیبر ابتدایی

معلم بندری www.bandarstudents.blogfa.com

وب‌سایت تخصصی کودکان (ف. رسولی - بندر دیلم)

● گلستان: حسنعلی کریمی نسب (آموزگار دبستان شهید منتظری،

مراوه تپه).

● کیلان: راضیه جمشیدی (آموزگار دبستان کهنه‌گویه، املش).

● لرستان: نیلوفر شمس (آموزگار پایه‌ی پنجم دبستان عصمت، خرم‌آباد).

● مازندران: سارا مهدوی (آموزگار دبستان معرفت، بابلسر)، ریحانه

بذرافشان (مری پیش‌دبستانی و کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، تنکابن)،

مرسده پوراندخت (آموزگار دبستان شهید بزرگ‌بادله، ساری)، فاطمه سلطانی

(آموزگار دبستان، فریدونکنار)، محمد نیکویی (آموزگار سه پایه روستای قاسم‌آباد

چمستان مازندران) و سیده حمیده سیدی نقیبی (آموزگار دبستان شهید شیرزاد،

قائم‌شهر).

● مرکزی: شهربانو سادات امینی (آموزگار دبستان، شهرستان تفرش)، داود

آمنیون (دبیر مدارس ساوه)، علیرضا احمدی (راهنمای آموزشی پیش‌حرفه‌ای

نصر، ناحیه‌ی دو، اراک)، فائزه السادات شمسی (کارشناس آموزش ابتدایی،

آشتیان)، ریحانه زینل آشتیانی، فریده کشفی آشتیانی (کارشناس آموزش

ابتدایی، کردیجان)، محمدحسین رضایی (لیسانس کودکان استثنایی و مدیر

مدرسه‌ی عارف، آشتیان)، شهیناز روشن‌پژوه (کارشناس آموزش ابتدایی و

مدیر دبستان شهدای عیسی‌آباد)، خدیجه کرباسی (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی

آموزشی، شاغل در مدرسه‌ی استثنایی پویا، کمیجان)، حسین علی صمدی و

زهرا سلیمی (آموزگار دبستان، کمیجان).

● همدان: فرناز حوله‌کیان (آموزگار استثنایی مدارس کم‌توان ذهنی، همدان)،

سعید حوله‌کیان (مشاور و مدرس مراکز تربیت معلم، همدان)، هاجر مرادی

مشهود (روستای قایش، منطقه‌ی سردرود، رزن) و مهناز شعبانی بهروز

(آموزگار پایه‌ی پنجم دبستان، بهار).

● یزد: نجمه کارگر شورکی (کارشناس و آموزگار ابتدایی، میبد).

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال



کتاب‌ناما



آشنایی با کتاب‌های مناسب پایه‌ی دوم ابتدایی در کتابخانه‌ی رشد اختصاصی همین پایه‌برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی www.roshdmag.ir (بخش سامان بخشی کتاب‌های آموزشی) مراجعه کنید.

کتاب‌ناما‌ی رنندگان



وزارت آموزش و پرورش
معاونت توسعه و آموزش
مدیریت فناوری



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و توسعه ملی آموزش
دفتر تحقیقات و تکنولوژی آموزشی

سال ۱۳۹۱

دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در مجلات رشد

دفتر
آموزش و پرورش
تهران

دفتر
آموزش و پرورش
تهران

دفتر
آموزش و پرورش
تهران

دفتر
آموزش و پرورش
تهران

دفتر
آموزش و پرورش
تهران

برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به واحد آموزش
نیروی انسانی اداره آموزش و پرورش خود مراجعه کنید.
www.tstc.medu.ir • www.roshdmag.ir